

... وخلق، پایدار و استوار است

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۱۶
یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۷ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

بیانیه حزب

کمونیست

عراق

برای گسترش مبارزه در
صفوف متحد و همبستگی
استوار با توده‌های مردم و
کلیه میمنه‌دوستان در ارتش،
برای سرنگون ساختن رژیم
دیکتاتوری و خاتمه دادن به
جنگ

صفحه ۴

* یا باید با تحمل مشکلات و دشواریهایی که دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا
بر ما تحمیل می‌کند، بی‌تزلزل به پیش، بسوی دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی
پیش‌روییم، یا باحیای دوران پراچار و تیره گذشته کمک رسانده‌ایم.

قلعی این کارزار توفنده، ازبای
نخواهد نشست.
سخنان امام خمینی، طنین‌عزم
و اراده زحمتکشان و محرومان
را داشت که آینده را از آن
خویش می‌دانند و با دشواریها
از همین زاویه روبرو میشوند:
پایداری و استقامت امروزه،
پیروزی فردا را نصیب ما خواهد
کرد.

امام خمینی، در سخنان خویش،
تلاشهای خائنه کسانی را که
می‌کوشند از گاه کوه بسازند
و با دم مسموم خویش در قلب
روح مردم بدمند و آنها را نسبت
به ادامه راه انقلاب دلسرد سازند،
بقیه در صفحه ۴

بازار و جنبش‌ها را به حفظ
دستاوردهای انقلابی، که در واقع
ثمره خون آنها و برای فرزندان
آنهاست، دعوت کرده‌اند.

ندای امام خمینی، که علی‌رغم
چنگالهای قدرت‌طلبانه افسار و
طلبقات بی‌آینده، بدون هیچ‌تزلزل
شعله امید به فردا را در قلب
مردم ستم‌دیده و محروم میهن‌ما
فرزوان تکمیل‌دارد، از ایمان و
اعتقاد به نیروی توده‌های میلیونی
سرشار است و آینده را از آن
او میدانند؛ طنین آرمانهای خلق
زحمتکشی است که سالهاست
برای کسب استقلال و آزادی و
نیل به یک زندگی انسانی،
رزمیده است و بیشک تا فرجام

امام خمینی، رهبر انقلاب و
بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران،
در مقابل خانواده‌های شهیدای نیروی
هوایی، همه مردم را به پایداری،
استقامت و استواری در مقابل
مشکلات فراخواندند و آنها را
به پیروزی نوید دادند.

رهبر انقلاب، در چند سخنرانی
اخیر خویش، چون روح بزرگ
یک انقلاب توفنده، که برای فتح
عرصه‌های فردا، به اوج چنگ
می‌اندازد، از آینده روشن سخن
گفته‌اند، مشکلات و دشواریها را
در مقابل هدف سترک استقلال
و آزادی، خوار شمرده‌اند، بر-
کوتاه‌نظران جاه‌طلب خشم
گرفته‌اند و زحمتکشان کوچک و

در ۲۶ ساعت ۱۲ دیماه، طبق اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵ انبار مهمات و ۱۱ تانک دشمن نابود شدند

ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره
۳۵۶ خود وضع جبهه‌ها و عملیات
رزمندگان انقلاب را تا آخر وقت
۱۲ دیماه، به این شرح اعلام
کرد:

۱- دیروز (۱۲ دیماه) در اثر
آتش نیروهای رزمنده اسلام در
منطقه مارد و محور آبادان -
ماهشهر پنج دستگاه تانک، چهار
دستگاه خودرو، سه سنگر خمپاره-
انداز و سه انبار مهمات دشمن
منهدم گردید و بیش از ۲۳ نفر
از افراد ارتش عراق کشته و
زخمی شدند. در این عملیات ۱۱
نفر از نیروهای خودی شهید و
۳۸ نفر مجروح گردیدند.
بقیه در صفحه ۴

نامه آقای ابوالقاسم صادق به «نامه مردم»

در روزنامه «جمهوری اسلامی»، مورخ ۱۰/۱۰/۵۹، نامه آقای ابوالقاسم صادق، سرپرست
حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی، به نامه «مردم» در پاسخ به مقاله نامه «مردم» زیر
عنوان «حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است»،
مندرج در شماره ۴۰۶، مورخ ۸/۱۰/۵۹، بجاپ رسیده است. متأسفانه چنین نامه‌ای تاکنون
به نامه «مردم» نرسیده است. ولی برای آنکه تاخیری در درج نامه آقای ابوالقاسم صادق
به نامه «مردم» روی ندهد، ما این نامه را از روزنامه «جمهوری اسلامی» عیناً نقل میکنیم:

سرپرست روزنامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
در رابطه با مقاله «حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران است» که در شماره ۴۰۶ مورخ دوشنبه ۸ دیماه ۱۳۵۹ در صفحه اول آن نشریه درج
گردید پاسخ زیر را در همان صفحه براساس قانون مطبوعات مصوب بیستم مرداد ماه هزار و
سیصد و پنجاه هشت درج نمائید.

حزب توده ایران هدفی جز سرنگون کردن نهائی دولت بر حق جمهوری اسلامی ایران و
برقراری یک سیستم کمونیستی در این کشور ندارد و در این راه پیروی ظاهری از امام و حمایت
ظاهری از انقلاب تنها در رابطه با آن هدف نهائی است. اگر در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و
شرق دو قطره خون در بدن من باقی مانده باشد اولین قطره را در راه مبارزه با امپریالیسم غرب
و آخرین قطره را در راه مبارزه با کمونیسم خواهم داد.

ابوالقاسم صادق
سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی

چند یادآوری

۱) آقای ابوالقاسم صادق در تاریخ ۶ دیماه در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه کیهان، پیرامون لایحه جدید مطبوعات، از جمله خواستار آن شده بود که «کمسیون رسیدگی به امتیازها»، امتیاز نشریاتی را که برخلاف رادعاهای اولیه‌شان قدم
برمیدارند، لغو نماید. آقای ابوالقاسم صادق سپس «مثلاً» از حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن، نامه «مردم» نام برده بود. وی در همین مصاحبه حزب توده ایران را «وابسته» نامیده بود.
۲) نامه «مردم» در تاریخ ۸ دیماه ۵۹، طی مقاله‌ای تحت عنوان «حفظ نشریات حزب توده ایران بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» در دفاع از حق قانونی خود و در رد افترای آقای ابوالقاسم صادق، از جمله نوشت: «در شرایطی که «انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه»
بقیه در صفحه ۷

سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری و جنبش تعاونی در ایران

آنجا که تجار بزرگ بفکر تشکیل شرکتهای تعاونی می‌افتند!

حیله جدید سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری در ضربه زدن به
نظام تعاونی و حفظ منافع و مواضع غارتگرانه خود.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌ها در شهر

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در طول دهها سال سلطه بلامنافع
خود بر بازار ایران، یکی از عوامل عمده و اساسی جلوگیری از
فعالیت تعاونی‌ها بوده است. هر جا که عده‌ای حقوق و مزدبگیر، چه
بقیه در صفحه ۴

رفقای توده‌ای در اردبیل را آزاد کنید

بیش از یکماه پیش،
در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹، رفیق فروغ‌الدین ابراهیمی
از مسئولین حزب توده
ایران و روح‌الله نظیری
از هواداران حزب توده
ایران، در اردبیل، به این
صورت که کاغذ سفید در
اختیار دارند، لذا ممکن
است ماشین فتوکپی هم
داشته باشند! از سوی
دائرسرای انقلاب این
شهرستان بازداشت شدند
و متأسفانه هنوز پس از
گذشت یکماه به این
بهانه غیرمنطقی، در
بازداشت بسر می‌برند.
ما ضمن اعتراض
مجدد به این عمل غیر-
قانونی، خواستار آزادی
فوری این رفقا هستیم.

دو نوع برخورد در برابر توطئه هفتم امپریالیسم امریکا

۱- هشمارکن
«امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طیس
هست»
(حجت‌الاسلام خامنه‌ای - نماز جمعه ۵ دی ۱۳۵۹)
«دولت آمریکا علنی‌تر از هر موقع دیگری با جمهوری
اسلامی ایران وارد جنگ میشود، زیر پوشش اینکه ایران
میخواهد برای حل مساله گروگانها باج بگیرد».
(نخست‌وزیر - در حضور سفرای کشورهای خارجی -
۶ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب‌کن

«بعضی از مسند نشینان که به گفته‌های امام ایمان
ندارند، احياناً به ترس از آمریکادچار شده‌اند، بدین گمان
باطل اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند...
و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی
به ایران نیست».

(میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

در صفحات بعد

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان
به حضرت آیت‌الله منتظری:

گله‌مندی شما از کم‌تحرکی و بارکود
جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزمندگان
این جبهه بود

صفحه ۸

کارگران و زحمتکشان
ایران مدافعان پیگیر
میمنه انقلابی

صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

... و خلق ...

بقیه از صفحه ۱
محکوم کردند و نیروهای راه که در تار و پود زندگی حقیر امروز گرفتاراند و بجای تلاش برای دستیابی به آینده پرشکوه و آزاده با غرغره‌های فرساینده و پوساننده در قبال دشواریهای انکارناپذیر، به انقلاب زیان می‌رسانند و به دشمن کمک می‌کنند، نصیحت کردند.

آری، امام خمینی درست می‌گویند: دشواریها رانمی‌توان انکار کرد، اما این دشواریها را دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا بوجود آورده است، تا ما را از کوشش برای دستیابی به فردای روشن و پرشکوه و آزاده مایوس گرداند و به ذلت و خواری وابستگی و اسارت و دیروز، بازگرداند. بیشک شیطان بزرگ - آمریکا برای پیشبرد این هدف شوم خود، به فعالیت مزدوران خویش و نیز نیروهای متزلزلی که از کوچکترین دشواریها به هراس می‌افتند و گلایه و شکوه سر میدهند، بسیار امید بسته است. اما خلق انقلابی ما، میلیونها زحمتکش که انقلاب را روی شانه‌های خود بنا نهاده‌اند و تا بحال سخت‌ترین دشواریها را برای حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب متحمل شده‌اند، بیکاری، گرانی، فشار بیش از حد زندگی و گرسنگی راه به امید پیروزی، پذیرا گشته‌اند، در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خود و فرزندان خویش را

سرمایه‌های بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

در کارخانه، چه در موسسه و کارگاه، چه در محله و منطقه بفکر می‌افتادند که با تشکیل شرکتها تعاونی مصرف، اندکی در وضع خود در برابر گرانی، احتکار و غارت دستمزدها و حقوق‌های ثابت بیبود ایجاد کنند، سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری با تمام قوا درصدد اضمحلال و ورشکستگی تعاونی‌ها برمی‌آمد.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری تنها به کارشکنی و جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، اکتفا نمی‌کرد. اخلال در تشکیل و تقویت تعاونی‌های تهیه مواد اولیه مورد نیاز پیشه‌وران و اصناف و یا تعاونی‌های خرید و فروش محصولات آنان نیز یکی دیگر از زمینه‌های وسیع خرابکاری سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری علیه تعاونی‌ها بود. سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری، بازار ایران را، به اصطلاح معروف، ملک‌طلق خود محسوب می‌داشت و بهمین جهت تیشه به ریشه تعاونی‌ها می‌زد، زیرا که بهر حال پاک‌رفتن آنها سبب می‌شد تاحدی به غارتگری این سرمایه خون‌آشام لطمه وارد آید.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌های روستائی

زمینه دیگر فعالیت مخرب سرمایه بزرگ وابسته تجاری، جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، تهیه و تدارک کالاها تولیدی مورد لزوم آنان و فروش محصولات دهقانان در شهرها بود. سرمایه بزرگ وابسته تجاری تا اعناق دهات را زمینه‌مناسب غارت و استثمار خود می‌دانست. بهمین جهت در برابر تعاونی‌های مصرف، توزیع مواد ضروری بین روستائیان و فروش محصولات آنان از طریق شبکه تعاون در شهرها، با تمام قوا مخالفت می‌ورزید. در مخالفت با تعاونی‌های روستائی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از نیروی مخرب سرمایه، از مالکیت‌های عمده ارضی کمک می‌گرفت، که بخشی از آن در دست خودش متمرکز بود.

شیوه‌های مخالفت سرمایه بزرگ تجاری با تعاونیها

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در فعالیت خرابکارانه خود علیه تعاونی‌ها، چه در شهر و چه در روستا، بدو طریق اقدام می‌کرد: اول از طریق استفاده از دستگاه حاکم بورژوا - مملکت و با استفاده از اهرمهای سیاسی - دولتی، هر نوع امکان فعالیت را از شرکتها تعاونی سلب می‌کرد، این شرکتها را از استفاده از وامهای دولتی، شرکت موثر در بازارگانی داخلی و خارجی، که بسود آنها بود، محروم نگاه می‌داشت، و بالاخره با وضع قوانین ضد تعاونیها، آنها را نسبت به سرمایه‌های خصوصی درموضع نابرابر قرار می‌داد. دوم اینکه با وابسته کردن تعاونیها بخود، از لحاظ دریافت کالا

و فروش جنس و انجام خدمات، مانع از تقویت بنیه مالی تعاونیها می‌گردید، تعاونیها را ورشکست می‌ساخت و به اعتماد عمومی، دایر به اینکه تعاونی‌ها می‌توانند از منافع اعضا خود، اعم از مصرف کنندگان عادی و یا پیشه‌وران و اصناف جزء و دهقانان، دفاع کنند، ضربه شدید وارد می‌آورد.

سر نوشت تعاونی‌ها در ایران

نتیجه مجموعه فعالیت خرابکارانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری آن شد که، با اینکه نهضت تعاونی در اوائل قرن حاضر به کشور ما رسوخ کرده، معذالک تا هم‌اکنون نتوانسته پایگیرد. سرمایه‌های تعاونی و قدرت اقتصادی آنها در جامعه طاغوتی، در مقایسه با قدرت سرمایه‌های بزرگ خصوصی وابسته، بقدری اندک بود که هیچ اثری نمی‌توانست در بهبود زندگی جامعه داشته باشد. تلاشهای فوق‌العاده زیادی از جانب زحمتکشان شهر و روستا و توده عظیم مزد و حقوق‌بگیران برای دفاع از منافع مادی خود در برابر هجوم غارتگرانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بعمل آمد. لیکن حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیست‌ها پرکشور و سلطه مطلق و بلامنازع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازار ایران، مانع عمده و اساسی در راه توسعه جنبش تعاونی و مزایای آن در دفاع از منافع طبقات زحمتکش و اقشار متوسط جامعه بود.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و اقتصاد تعاونی

با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و بویژه با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در آن اقتصاد تعاونی رکن دوم اقتصاد ملی ایران شناخته شده و پس از رکن اقتصاد دولتی ارجحیت آن بر بخش خصوصی قانونی گردیده، و همچنین با توجه به اینکه ضمن تصویب اصل ملی کردن بازارگانی خارجی، زمینه مساعد و مناسبی برای توسعه و تقویت تعاونیها فراهم گردیده، البته وضع با سابق، بسود تعاونیها، تغییر اساسی پیدا کرده است. اکنون جنبش تعاونی، در جهت تقویت بخش تعاونی اقتصاد ملی، می‌تواند از شکوفائی جالبی برخوردار گردد.

تعاونی‌ها و منافع زحمتکشان و اقشار میانی

میلیونها زحمتکش شهر و روستا، از طریق تشکل در تعاونیهای مصرف، اعتبار، مسکن، تهیه مواد اولیه و فروش کالاها تولیدی می‌توانند نه تنها در بازارگانی داخلی، بلکه در بازارگانی خارجی نقش فائق ایفا کنند. ایجاد تعاونیها در همه سطوح می‌تواند از منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار دستمزد و حقوق‌بگیر در برابر زیاده‌طلبی

قدا کرده‌اند و با نیروی لایزال خود انقلاب را به پیش می‌برند، با پایداری و استقامت بیشتر رهنمود امام خمینی را پذیرا خواهند شد.

خلق انقلابی و زحمتکش ما، استقامت و پایداری خود را نشان داده‌است. آینده از آن اوست. اما برخی کسان در این راه دشوار از پای نشستند، به نفس نفس - زدن افتادند، به افشاندن تخم تردید و یاس و ناراضی‌پراختند و یا در تار و پود دام‌فنون شیطان بزرگ - آمریکا گرفتار شدند. از این خیل واخوردگان، آنان که منافع خویش را در گذشته می‌جویند و تنها برای پیشبرد اهداف شیطان بزرگ - آمریکا استقامت می‌ورزند، سروکارشان با قهر خلق است. اما بخشی از اینان، که در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، و نه اعاده دوران پیشین، ذینفع‌اند، ولی دشواریها و توطئه‌ها آنها را خسته کرده و از گذشته تیره و پر ادبار غافل ساخته است، طعمه مناسبی برای دام ضدانقلابی، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران می‌کوشد.

پوشش باشیم! بدون تحمل دشواریها و بدون پیمودن راه - های سنکلاخ، دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی ممکن نیست. توقف در میانه راه، کاستن از نیروی پیش‌رونده خلق و کمک به تلاش شیطان بزرگ - آمریکا برای بازگرداندن «نظم» پیشین است. پایدار، پیگیر و استوار باشیم. پیروزی از آن ماست!

۶- مبادله آتش توپخانه بین

نیروهای خودی و دشمن متجاوز در شوش و جسر نادی ادامه داشت ولی وضع جبهه‌های جنگی در اندیشک نسبت به روزهای قبل آرام بوده‌است. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با موفقیت تعدادی از سنگرهای دشمن را در جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر و همچنین خودروهای دشمن در جنوب سوسنگرد را به میزان هشتاد درصد نابود کردند. همچنین منابع نفتی و تلمبه‌خانه جلفائیه عراق را مورد حمله قرار داده و آنها را به آتش کشیدند.

۸- دیروز با آتش نیروهای جانباز اسلام بر مواضع مزدوران عراقی در منطقه سومار، چهار سنگر گروهی و تعدادی سنگر انفرادی دشمن نابود گردید و حدود ۲۵ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند.

۹- درگیری در ارتفاعات شورشیرین، کانی‌سخت، کنجان - چم، ملک‌شاهی، سرنی و امیرآباد بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشته و خمپاره‌اندازهای خودی در محور کانی‌سخت موفق شدند یک قبضه تیربار ضد هوایی یک منبع آب، یک منبع سوخت و نه سنگر گروهی دشمن را منهدم و افراد آنها را به هلاکت رسانند.

۱۰- مهاجمین مسلح روز گذشته (۱۲ دیماه) پاسگاه پلیس راه میاوند آب را مورد حمله قرار دادند که بر اثر درگیری یکتقریب درجه‌دار مجروح و تعدادی از افراد مسلح غیرقانونی کشته و زخمی شدند. همچنین مهاجمین به یگان ارتشی مستقر در منطقه پیرانشهر حمله کردند و دونفر از سربازان را مجروح کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵ انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱

همچنین در اثر آتش یگانهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن متجاوز در جاده آبادان - دارخوین دو انبار مهمات دشمن نابود شد.

۲- دیروز (۱۲ دیماه) علیرغم آنکه نقاطی از شهر اهواز زیر آتش توپخانه دورزن دشمن قرار گرفت و به تعدادی از منازل مسکونی خساراتی وارد آمد و یک نفر شهید و یک نفر مجروح شد، توپخانه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه با اجرای آتش موثر توپخانه روی مواضع دشمن شش دستگاه تانک، پنج دستگاه لوادر و بیلب مکانیکی و پنج دستگاه خودرو دشمن را منهدم و حدود ۸۴ نفر از افراد متجاوز عراقی را کشته یا زخمی کردند.

۳- پریروز (۱۱ دیماه) نبرد بین نیروهای رزمنده اسلام و دشمن کافر در اطراف رود کارون ادامه داشت و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مناطق کوت‌لرین و ام‌الاصاص را زیر آتش شدید خود گرفتند.

۴- دیروز (۱۲ دیماه) توپخانه دشمن شهرستان دزفول را هدف قرار داد که چهار خانه مسکونی منهدم شد و ۲ نفر غیر نظامی مجروح گردیدند. در همین منطقه بر اثر تیراندازی نیروهای خودی یک دستگاه خودرو و مقدار زیاد از مهمات دشمن نابود شد. ۵- رزمندگان دلیر اسلام مواضع دشمن را در منطقه سوسنگرد زیر آتش گرفتند و تلفاتی به آنان وارد آوردند. در این جبهه بر اثر اصابت گلوله دشمن یک نفر از افراد بسیج مجروح شده.

نامه «مردم» روز دوشنبه منتشر نمیشود

و آزمندی سرمایه‌داران بزرگ وابسته دفاع بعمل آورد، دامنه غارت سرمایه‌های وابسته تجاری را در شهر و روستا محدود کند، امر تدارک و توزیع کالاها مصرفی را با قیمت‌های مناسب به‌نظم درآورد، مصرف‌کننده شهری را از شر واسطه‌های غارتگر نظیر سلفخر و میدان‌دار نجات دهد و مصرف‌کننده روستائی را از غارت پیله‌ور و سرمایه‌های ربائی و تجاری طفیلی برهاند. تعاونی‌ها می‌توانند در تامین سکنه شهری یا محصولات کشاورزی و تامین سکنه روستاها با محصولات صنعتی و در موارد مشخص صدور کالاها داخلی، مانند قالی به‌خارج و واردات کالاها ضرور از خارج در برابر صادرات سنتی و نظائر آن نقش فوق‌العاده مهم ایفا کنند.

امکان رشد و توسعه تعاونی‌ها در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با نقش عظیمی که قانون اساسی برای اقتصاد تعاونی در نظر گرفته و آن را دومین رکن اقتصاد ملی، پس از بخش دولتی، شناخته، امکانات عظیمی برای رشد و توسعه جنبش تعاونی و فراگیری آن فراهم آمده است. باید از همه این امکانات در جهت تامین منافع واقعی توده زحمتکشان در برابر تهاجم سرمایه‌خصوصی استفاده بعمل آورد و جنبش تعاونی را به‌سود پیروزی قطعی انقلاب از هر جهت تقویت کرد.

تعاونی‌ها و حیلله سرمایه بزرگ تجاری

درعین حال باید توجه داشت که جنبش تعاونی اصالت خود را بعنوان جنبشی که هدف آن غارتگری و یکه‌تازی سرمایه نیست، بلکه دفاع از منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خرده‌پای شهر و روستائی است، حفظ کند. در این مورد بویژه باید متوجه فعالیت سرمایه‌های غارتگر وابسته بود که، چون اکنون با نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران مواجه شده‌اند، به منظور حفظ موجودیت و ادامه غارتگری، حتی از آن ابا ندارند که خویش را زیر پوشش شرکت‌های تعاونی پنهان سازند. در این زمینه از تلاشهای عده‌ای از بزرگترین تجار باید نام برد که در صورت اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازارگانی خارجی - میخواهند با تشکیل شرکت‌های تعاونی و زیرپوشش آنها، همچنان بازارگانی خارجی را در انحصار خود نگاه دارند.

حنای تجار بزرگ بی‌رنگ است

در برابر مخالفت سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری با ملی کردن بازارگانی خارجی و حیلله جدید آنها برای حفظ مواضع خود، باید گفت که سابقه بیش از یک قرن تسلط سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازارگانی خارجی معرف کامل آنست که چه بلاهای مهلکی نظیر عقب‌ماندگی رشد صنعتی و کشاورزی و وابستگی اقتصاد ایران به دول امپریالیستی بوسیله سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری برکشور ما نازل شده است. پایان دادن به این بلاها ممکن نیست، مگر آنکه از سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری خلع‌ید بعمل آید و اصل ملی کردن بازارگانی خارجی اجرا شود. خوشبختانه نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی به این واقیعت وقوف کامل دارند و به‌ماموریت خطیر خود در تحقق هر چه زودتر اصل ملی کردن بازارگانی خارجی واقفند.

باید اصالت تعاونی‌ها با کمال قوا و دقت حفظ شود

اما در آنچه که مربوط به پنهان‌شدن سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری زیر پوشش «شرکت تعاونی» است، باید در این زمینه به ارگانهای دولت انقلاب، بویژه وزارت بازارگانی و وزارت کار هشدار داد که با تمام قوا از نفوذ سرمایه‌های بزرگ بداخل تعاونیها جلوگیری کنند و نظام تعاونی‌ها، چنانکه پایه و اساس آن مقرر می‌دارد، نه بر بنیای سرمایه، بلکه بر پایه تعاون و برابری و همبستگی بنا گذارند. حفظ منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار مزد و حقوق‌بگیر جامعه انقلابی ما تشکیل چنین تعاونی‌هایی را می‌طلبد و نه تعاونی‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ در آنها جای گیرند و جنبش تعاونی را بسود منافع آزمندان سرمایه‌داری وابسته و بزبان انقلاب تغییر ماهیت دهند.

رشد تعاونی‌ها مستلزم خلع‌ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری است

سرمایه بزرگ وابسته تجاری، ضمن آنکه دشمن استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، به معنی واقعی کلمه است، و اهرم عمده عقب‌ماندگی اقتصادی ایران در دو قرن گذشته بشمار می‌آید، همچنین مانع اصلی در راه پیشرفت جنبش ثمربخش تعاونی است، که حافظ منافع زحمتکشان شهری و روستائی و طبقات و اقشار خرده‌پا و میانه است. منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما ایجاب می‌کند که از سرمایه بزرگ وابسته تجاری هر چه زودتر خلع‌ید بعمل آید و اصل ملی کردن بازارگانی خارجی و تکیه بر نظام تعاونی، که میلیونها زحمتکش و اقشار خرده‌پا و متوسط را در خود متشکل کند، هر چه زودتر به اجرا گذاشته شود.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

بیانیه حزب کمونیست عراق

برای گسترش مبارزه، در صفوف متحد و همبستگی استوار با تسوده‌های مردم و کلیه میهن‌دوستان در ارتش، برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری و خاتمه دادن به جنگ

جنگ تجاوزکارانه‌ای که باند دیکتاتوری علیه ایران همسایه برافروخت، داخل ماه سوم خود شده، با شدت و وحشیانه‌ای ادامه دارد و با قربانیان و ویرانی‌ها و آلام و مصائب روزافزونی برای مردم ما و مردم ایران دوست همراه است.

بدینسان، این ماجراجویی جنایت‌کارانه به صورت یک جنگ دامنه‌دار و درازمدت درآمد - برخلاف آرزوها و حسابهای برافروندگان آن، که خواب نیل به یک پیروزی سهل و سریع را میدیدند تا انزوی کاملشان را تخفیف دهد، اعتبار رژیم متزلزلشان را بالابرد و خوابهایی که راجع به زعامت و توسعه - طلبی میدیدند، تحقق بخشد.

در نتیجه این دگرگونی، این جنگ شکل یک جنگ فرسایشی توأم با خسارات وحشتناک جانی و مالی و جنگ افزاری بخود گرفت و

انگیزه‌های واقعی این ماجراجویی جنایتکارانه آگاه بودند و بهمین جهت به محکوم کردن آن و ابراز تنفر نسبت به آن میادرت ورزیدند و قلبی بودن ادعاها و شمارهایی راه که این رژیم جهت تیرنه و توجیه جنگ ابراز می - داشت، افشا و رسوا کردند. ادعاهای رژیم مبنی بر کوشش برای استقرار مجدد سیادت و حاکمیت ملی بر اراضی عراق

هدف جنگ تجاوزکارانه باند تروریستی صدام حسین علیه ایران، نابودی انقلاب ایران است

و آبهای آن نیز یاشک و تردید مشروع مواجه شد. این جنگ جنایتکارانه، از لحاظ مقدمات و تعیین وقت آن و هدفهای مقتضحانه‌اش تا کید میکند که دست‌زدن به این ماجراجویی خونین چیزی نیست جز ماحصل منطقی و ادامه طبیعی مجموعه خط‌مشی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طبقاتی این گروه فاشیست مستبد، ایدئولوژی نژادپرستی و شوونیستی آن، همبستگی و ارتباطهای مشکوک آن با ارتجاع عرب و دوایر امپریالیستی و آزمندهای بورژوازی طفیلی آن. و این همانست که بیانیة حزب ما، مورخ ۲۴ ۹ ۱۹۸۰ (۲۷ ۷ ۱۳۵۹) که دو روز بعد از افروختن جنگ

به صورت یک جنگ دراز مدت، و نه برق آسا، درآمد. باند ماجراجو باروش تجاوزکارانه و توسعه طلبانه، با شروط زورگویانه و منویات اعلان شده دایر به ازین بردن انقلاب ایران و تجزیه آن و ضمیمه کردن بخشهایی از ایران به عراق، راه بازگشت به سوی حسل مسالمت‌آمیز اختلاف را قلع کرد.

بدین ترتیب، بعلت تحول جنگ - که صدام حسین و باند تروریستی او برافروختند - به جنگی که احتمالا یک مدت طولانی ادامه خواهد داشت، و به سبب اصرار تجاوزگر بر ادامه جنگ و تحمیل شروط خود بوسیله زور و

هدف ماجراجویی جنایتکارانه باند دیکتاتوری حاکم بر عراق، نجات از بحران داخلی است

قدرت، وضع فوق‌العاده بفرنج و خطرناکی بوجود آمده است. ولی آن نتایجی که احلام و آرزو - های طاغوت و باند او را بر باد داد، و عظمت خساراتیکه رژیم منفرده شده آنها دارد پشتش در زیر سنگینی بار آن خم میشود، آنها را به توسل جستن به واسطه‌ها و دوندگی برای آتش‌بس مجبور ساخته است.

مردم در کشورما و درجهان، و آنهاهی که جریان جنگ را تعقیب کرده‌اند، متوجه شده‌اند که دوندگی افزوننده این جنگ و باند او جهت آتش‌بس، فقط نتیجه خوبی است که بر آنها غلبه کرده، نتیجه آن عواقب

جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران، مورد حمایت امپریالیسم امریکا، اسرائیل و رژیم‌های مرتجع و دست‌نشانده منطقه است.

کشور منطقه بدست آوردند و مانورهای نظامی در دریای عمان و در نزدیکیهای سواحل ایران، بعنوان حفظ «منافع حیاتی» امپریالیسم امریکا در خلیج و تامین صدور نفت از گذرگاه تنگه هرمز، اجرا کنند. به بهانه جلوگیری از سرایت جنگ عراق و ایران به دیگر دولتهای تولیدکننده نفت در خلیج، ایالات متحده و همیمانان ناتوی آن امکان یافتند که تجمع ناوهای جنگی مجیز به سلاحهای اتمی و ناوهای هواپیمابر، که شماره آنها بالغ بر (۶۰) فروداست و بر فراز آنها بیش از ۲۰

وخمی است که، در صورت ادامه جنگ، رژیم استبدادی‌شان را تهدید میکند. همانطور که تظاهر موزرانه این تروریست به «مصالحه» با ایران، جز یک ریاکاری منتضحانه نبود که میخواست بوسیله آن، خشم و نفرت توده‌ها و نیروهای مسلح راه، پس از آنهمه فجایع و قربانیها و ویرانیهای فراوانی که در اثر ماجرا - جوئیهای خونین او بر کشور وارد آمده است، تسکین دهد.

توده‌های محروم ما در عراق و کلیه نیروهای میهن‌دوست در وطن عربی، از

برضد ایران برای تسلط بر ثروتها و سرنوشته منطقه و تسامین حمایت از رژیمهای ارتجاعی منطقه، بوقوع پیوست. قرارداد عراق - اردن - سعودی وظیفه داشت که نقش زهر آگین خود را در رهبری اردوگاه ارتجاع عربی برای

هزار تن سرباز و بیش از ۳۰۰ هواپیما قرار دارند، توجیه کنند. این جنگ فرصتی برای ایالات متحده فراهم آورد، تا به بهانه «حمایت» فضای عربستان سعودی و مناطق نفت‌خیز از هجوم فاکهانی، هواپیماهای «آراکس» به عربستان سعودی بفرستد. همچنین امپریالیسم امریکا از فرصت استفاده کرد، تا «حمایت» موهوم خود را به دیگر کشورهای خلیج پیشنهاد کند و حضور نظامی خود را در عمان و سومالی و بحرین و کشورهای ازین قبیل تقویت نماید.

بسیب جنگ عراق و ایران، توجه از توطئه کمپ دیوید منحرف گردید و واشنگتن و تل‌آویو و قاهره این فرصت را مغتن شمردند، تا در راه تقویت پایگاههای نظامی و نقشه‌های جنگی - که اخیرا شکل عملیات ترمیزی برای نیروهای «واکنش سریع» امریکا در اراضی مصر را بخود گرفت - و گذاردن پایگاهها و بنادزور فرودگاههای نظامی مصر در اختیار نیروهای امریکائی و تمرکز نیروهای نظامی در مرز لیبی و اعلان سادات خائن دایر به مادگی خود جهت عمل مشترک با نیروهای امریکائی، برای مداخله در کشورهای خلیج و تحریک برای اشغال نظامی آنها، گامهایی برداشته شود.

اسرائیل نیز به نوبت خود از این فرصت بهره‌برداری کرد و عزم خود را مبنی بر انضمام ارتفاعات جولان سوریه به خود اعلام داشت، تجاوزات خود به لبنان و عملیات قلع و قمع علیه مردم عرب در ساحل باختری و نوار غزه را تشدید کرد و با تلاش برای جلب توجه افکار جهانیان به سوی میدان جنگ عراق و ایران، کوشش برای تیرنه خود از تجاوز و از مسؤلیت تشنج در منطقه را آغاز کرد.

این جنگ به ارتجاع عرب فرصت داد تا به جبهه پایداری تعرض کند، مبارزه خلقهای عرب علیه توطئه کمپ دیوید را تضعیف نماید و برای خنثی - کردن مقررات کنکره رباط تلاش روززد و رژیم دست‌نشانده اردن را به عنوان نماینده خلق عرب فلسطین، به جای نماینده قانونی و یگانه آن - سازمان آزادیبخش فلسطین - معرفی کند. بدین ترتیب، باند حاکم (برعراق) با ماجراجویی خود در برپا کردن جنگ علیه ایران، خدمت آشکاری به نیروهای امپریالیستی و تجاوزگران صهیونیستی و ارتجاع عرب کرد. پس کدام منافع میهنی یا قومی را میتوان بعنوان دستاویز برای برپا کردن این جنگ جازده و چگونه برای احدی ممکن است که ادعاهای این باند در مخالفت موهوم با نقشه‌های امپریالیستی و تمرکز نیرو - های آن، مخالفت با پیمان کمپ دیوید و تجاوزات اسرائیل و رژیمهای دست - نشانده و ارتجاعی در وطن عربی راباور

کند؟

حوادثی که در انهای تدارکات برای این جنگ و همزمان با آن رخ داد، مواضع واقعی گروه حاکم در بغداد را آشکارا افشا کرد. این تدارکات مقرون بود با انعقاد قرارداد با رژیمهای دست‌نشانده و ارتجاعی در اردن و عربستان سعودی و عمان و سومالی و دیگر کشورهای خلیج. این جنگ در هماهنگی تام و تمام با مواضع خصمانه این دولتهای علیه انقلاب ایران و اقدامات هماهنگ آنها با امپریالیسم و تمرکز نیروهای نظامی و نقشه‌های دشمنانه آن

برای توطئه کمپ دیوید و تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم امریکا بر منطقه.

بدینسان باند حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست‌نشانده در منطقه بدل شود و آشکارا از تصدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخشی ملی علیه امپریالیسم

برای توطئه کمپ دیوید و تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم امریکا بر منطقه.

و نقشه‌های تجاوزگرانه آن، شانه‌خالی کرد. باند حاکم در بغداد يك کانون جدید تشنج را در منطقه بوجود آورد تصدات خود را بعنوان یکی از دولتهای غیرمتصد با خشونت نقض کرد و عدم شایستگی خود را برای مہمانداری کنفرانس سران آن در بغداد آشکار ساخت.

ادعاهای صدام حسین دایر به اینکه قصد جنگ با ایران را نداشت، در حقیقت یک دروغ مفتضحانه است. واضح است که تدارک برای این ماجراجویی، از هنگام تزلزل تخت شاه و اوج گرفتن موج انقلاب ایران، جریان داشت، بطوریکه عناصر مرتد از بقایای رژیم شاه، از قبیل ژنرالها و فئودالها، پناه داده شدند و مداخله در امور داخلی

انقلاب ایران برای باند دیکتاتوری حاکم در بغداد کابوس است

ایران و راندن دهها هزار نفر از هم - میهنان عراقی به ایران، به بهانه اینکه ایرانی‌الصل هستند، انجام گرفت. و بالاخره اعتراف‌های خودسریاکننده جنگ و نطقها و تدارکات قبلی سیاسی و روانی برای این جنگ و اوج دادن موج خصومت دیوانه‌وار نسبت به انقلاب ایران در دستگاههای تبلیغاتی رسمی، همه اینها کذب ادعای عدم رغبت به افروختن جنگ را افشا میکند.

این جنگ همچنین یک انگیزه مهم از انگیزه‌های متعدد برای افروختن آنرا افشاء میکند که عبارتست از خوف و وحشتی که باند دیکتاتوری و شرکای آنرا در عربستان سعودی و خلیج و غیره در اثر انقلاب ایران فرا گرفته بود،

مردم عراق با جنگ تجاوزکارانه باند تروریستی صدام حسین علیه ایران و با رژیم دیکتاتوری در عراق مخالفند

زیرا یک خلق بی‌سلاح، در يك پیکار قهرمانانه، خروشید، تا پایه‌های رژیم شاهنشاهی مسلح به تمام معنی کلمه و دستگاههای قلع و قمع وحشیانه‌اش را درهم کوبید و تخت طاغوت رابدوراندازد. کابوس انقلاب خلقی ایران، باند دیکتاتوری را برای نجات از سرنوشته نظیر برانگیخت و او را با شدت براه ماجراجویی و جنگ، به امید زنده بگور - کردن انقلاب ایران و ازین بردن نمونه توده‌ای آن و خاموش کردن تأثیر انقلابی آن در توده‌های خلق، کشاند.

در مرحله‌ای بعد از پیروزی انقلاب خلقی در ایران، بروز برخی پدیده‌های منفی، رژیم دیکتاتوری و رهبری آنرا فریفت، تا به امید پیروزی برق آسا، دست

یگانه راه حل بحران رژیم دیکتاتوری در عراق سرنگونی آن و استقرار یک نظام دمکراتیک ائتلاف ملی در عراق است. فوری‌ترین وظیفه نظام دمکراتیک ائتلاف ملی فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران و حل اختلافات از راه مسالمت‌آمیز و بسود منافع دو ملت دوست و مبارزه مشترک آنها علیه امپریالیسم و برای ترقی اجتماعی است.

به جنگ بزند. بویژه که رژیم از روی برخی پدیده‌های منفی و اختلافات داخلی و موضعگیریهای زیانمند نسبت به نیروهای چپ و حقوق خلقهای غیر - فارس در ایران و همچنین موضعگیری غلط نسبت به کشورهای سوسیالیستی چنین می‌پنداشت که انقلاب ایران یک شکار سهل و ساده خواهد بود. ولی باند حاکم، که امور را با معیارهای ویژه خود می‌سنجد، توانست یک حقیقت آشکار را درک کند، و آن عبارتست از اینکه، بقیه در صفحه ۷

برای توطئه کمپ دیوید و تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم امریکا بر منطقه.

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کارگاه خوب بری رحیم صدیقی " نزدیک پل محمدحسن خان بابل واقع است. تولید اصلی این کارگاه "جعبه" است که برای بسته بندی میوه مورد استفاده قرار میگیرد. در این کارگاه خوب بری یک کارگر و صاحب کارگاه ویر - مردی که در میان توده های خوب سرگردان است، دیده می شود. صاحب کارگاه، آقای رحیم صدیقی، مرد میانسال است که مشغول تیز کردن لوله بلند و گردی است. لباسش از خاکاره به زردی گراشیده، از جیره اش پیداست که از زمان زحمتکشی است و او سهواً از کارگاه در باره جنگ تحمیلی رژیم صدام و بالابردن تولید اینگونه پاسخ داد:

"ما تا میتوانیم بایستد این بعثی ها را نابود کنیم و از میهن خود بیرون کنیم. آنها کودکان معصوم ما را در مدارس بمباران می کنند، باید آنها را در هم بکوبیم. از همین کارگاه یک نفر از کارگران ما، که منقذی خدمت ۵۶ بود، به جعبه جنگ رفته. اگر بمباران اجازه بدهند، صدام خائن را زیر این آره ها قطع می کنیم." در باره بالافتن تولید، رحیم صدیقی گفت: "ما میخواهیم و با ید تولید"

نمی خریم". محمدعلی محمدی، کارگر ساده " خوب بری" رحیم صدیقی است و در حدود ۲۲ سال دارد. او یک کشاورز است و به علت اینکه الان وقت کشاورزی نیست، در این کارگاه مشغول بکار گردیده. او در باره جنگ تجاویز رژیم صدام علیه ایران و بالابردن تولید چنین گفت:

"این صدام وحشی و بدتر از هیتلر، بیمارستانها و مدارس ما را بمباران میکند. ما باید تسلیم نشویم و آنقدر بایستد بجنگیم تا عراقیهای متجاوز زان خاک میهن خود بیرون کنیم." محمدعلی محمدی در باره تولید بیشتر گفت: "مادربزرگ ما"

دولت هم باید وسایل مورد نیاز ما را ارزان تر بکند. ما هم تولید را افزایش خواهیم داد. حال ما ۷ ساعت در روز کار می کنیم، ولی آن موقع بیشتر و حتی جمعه ها را هم کار خواهیم کرد."

رحیم صدیقی در باره کوپنی شدن بعضی از کالاها، مانند قند و شکر، گفت: "خیلی خوب شده، برای اینکه قیمتها همه جا یکسان است و سرمایه دارها دیگر نمیتوانند احتکار کنند. مثلاً شکر قیمتش ۴ تومان شده بود، ولی حالا همه جا ۲۴ ریال بفروش میرسد. اگر دیگر کالاها مانند روغن و گوشت و برنج و غیره را هم کوپنی بکنند، بهتر است. برای اینکه در این صورت قانونی است و دیگر گوشت را کیلوئی ۵۲ تومان

را بالابیریم. در حال حاضر تولید روزانه ما ۱۰۰۰ جعبه است. بعضی مواقع برای دیگران خوب هم آره می کنیم. یک هفته پیش میخ را یک کارتون ۲۷۰ تومان می خریدم، حالا کارتونی ۳۱۵ تومان شده است. آره ها را متری ۲۰ تومان می خریدیم، ولی حالا متری ۲۱ تومان شده. دستفروشان میتوانند از ما جعبه نخرند و به جای آن از نابلون که ارزانتر است استفاده کنند. در آمد ما بسیار کم است. پارسال قیمت جعبه ۷ تومان بود، الان هم ما آنرا ۷ تومان می فروشیم. به علت وضع نامساعد برق و اینکه یک دستگاه بیشتر نداریم و گرانی، تولید بیشتر برای ما مشکل است. با وجود همه این مشکلات، ما حاضریم تولید را تا آنجا که ممکن است بالابیریم. البته

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

توضیح درباره نامه «تکذیب» شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی

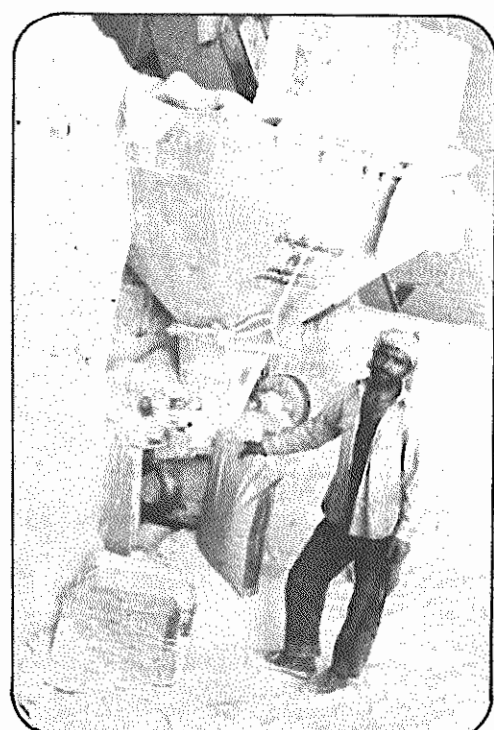
۶ کیلومتری زیرآب (بین زیرآب و فیروز - کوه) قرار گرفته است، از امکانات خوبی برخوردار است و نام آن "مرکز درمانی و بهداشتی آزاد مهر" است. بنابراین، در منطقه زیرآب، شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی ۲ درمانگاه دارد. گزارشی که درباره مردم، شماره ۳۰۵، درج شده بود، از "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز درمانگاه زیرآب" تهیه شده بود، که بطور اختصار "درمانگاه ذوب زیرآب" درج شد. متأسفانه وضع کنونی درمانگاه زیرآب همان است که بود و تنها تفاوتی که با وضع سابق کرده، اضافه شدن یک دندانپزشک است.

مورد از طرف خبرنگار نامه مردم صورت گرفت، برای روشن شدن اذهان عمومی لازم شد، نکاتی را به اطلاع برسانیم: در زیرآب دو درمانگاه وجود دارد: یکی دولتی است و دیگری به نام "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز درمانگاه زیرآب"، که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد مهر"، حدود

مشکلات درمانگاه ذکر شده بود. در واقع بیماران هنگام شب حق بیمار شدن نداشتند و اگر هم مریض می شدند، باید آن قدر تحمل می کردند، تا به وسیله ماشین شخصی به درمانگاه انتقال یابند. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ "البرز مرکزی" به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات مجددی که در این

در نامه "مردم"، شماره ۳۰۵، مورخ ۲۰ مرداد ۵۹، خبری تحت عنوان "وضع نامساعد درمانگاه زیرآب" درج شده بود. در این خبر مشکلات و کمبودهایی را بر شمرده بودیم که از جمله عبارت بودند از: کمبود پزشک در این درمانگاه، پزشک ثابت وجود نداشت، تنها آقای دکتر عابدی، پزشک درمانگاه دولتی زیرآب، یکی دو ساعت در روز به ویزیت بیماران می پرداخت. پزشک یار درمانگاه، هم وظیفه داروخانه ای را بر عهده داشت و هم وظیفه ویزیت بیماران را در موقع نبودن پزشک. نبودن تلفن و آمبولانس از دیگر

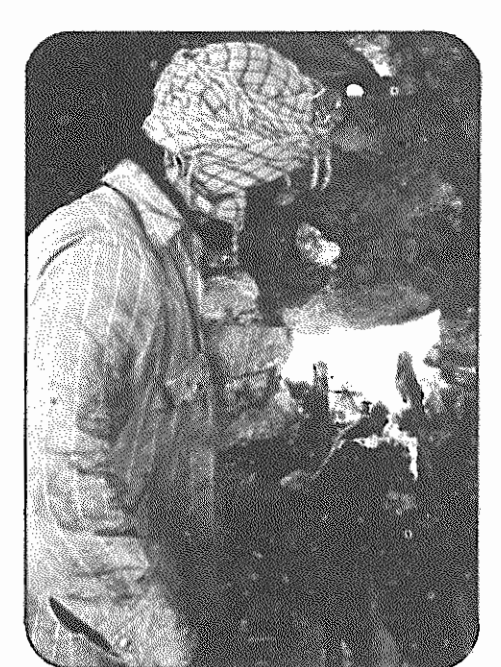
کارگران کارخانه گچ و آهک قم نیز آمریکا را سبب اصلی تجاوز صدام می دانند



اگر به رهبری امام خمینی متحد باشیم، همیشه پیروزیم.

در بین کارگران این کارگاهها مراضی چون سل، تراخم، تنگی نفس، امراض پوستی، سنگ کلیه... شیوع دارد. کارگاههای گچ قم، که در بیشتر آنها کوره های آهک پزی هم قرار دارد، بصورت واحد های بهم فشرده ای حول معادن سنگ گچ قرار دارند. با آنکه درآمد این واحدها بسیار سرشار است، اما متأسفانه در شرایط کار و میزان دستمزد و ساعت کار کارگران این واحدها، نسبت به قبل از انقلاب تغییر عمده ای بدینجا آمده است. دستمزد کارگران در محیطی فاقد لباس کار، ماسک، هواکش و حمام، در ازای دهالی چهارده ساعت کار، تنها حدود یکصد و بیست تومان در روز است. بیشتر کارگران این واحدها معسولان روستائیان آذربایجان و همدان هستند و برای اندوختن اندک ذخیره مالی، حتی در روزهای تعطیل هم مجبورند کار کنند. در هر کارگاه حدود بیست نفر کارگر کار می کنند که حدود دوازده نفر در قسمت کوره های گچ، چهار نفر در کوره های آهک و چهار نفر دیگر در قسمت های دیگر سرگرم کارند. از کارگران در قسمت "دمش کوره ها"، کنترل و پیروخالی کردن کوره ها، حمل گچ و آهک و غیره استفاده می شود. ضمن گفتگو با کارگران کارگاههای گچ و آهک قم، کارگران آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزگران صدامی اعلام کردند. آنها آمریکا را مسبب اصلی تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما می دانند. برای نمونه نظر سه تن از آنان را در زیر ذکر می کنیم:

برای اثبات عادلانه بودن جنگ ایران علیه تجاوز دار و دسته صدام تکریستی، چه ناهدی معتبر تر از این که زحمتکشان ایران و بطور عمده طبقه کارگران ایران، در عین شرایط غیر انسانی کار و نهدر خور انقلاب عظیم مردم ایران - تپای جان در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ایستاده اند. از جمله شاهدان این مدعا، کارگران کوره ها و معادن گچ و آهک قم هستند که با جهره مومی سبید از غبار گچ و آهک، به کاری طاقت فرسا اشتغال دارند.



برای پاسداری از انقلاب، کار و جنگ فرقی ندارند.

خواستهای حقه خود، استفاده از حربه هایی چون اعتصاب را مفید بحال انقلاب نمی دانند. پس بر مسئولان امر است که خواستهای قانونی کارگران را، که اهم آنها عبارتند از: استفاده از بیمه های اجتماعی، برخورداری از ایمنی محیط کار، نظارت بر دستمزد را برایش از این به بعد تعویق نیاندازند. زیر تعمیم انقلاب، بویژه در این برهه حساس نبرد حق و باطل، تنها در سایه بهبود شرایط زیست زحمتکشان بخصوص طبقه کارگر ایران ممکن است.

"آمریکا صدام را جلو انداخته است و اگر نهدون کمک آمریکا، صدام جرات چنین کاری رانداشت."
"این جنگ را آمریکا بوجود آورده است."
"آمریکا صدام را به جنگ با ما وادار کرده است. در صورتیکه ما، تحت رهبری امام خمینی متحد باشیم، حتما پیروز می شویم. این را من مطمئن هستم."
کارگران در شرایط کنونی جهت رسیدن به

یک مادر پیر، جمعا ۲۵۰۰ متر زمین داریم. الان برادرم بیکار است و من اینجا کار می کنم، چون الان زمستان سست و فصل کشاورزی نیست، ما باید بیشتر تولید کنیم و به دولت کمک کنیم که عراق را شکست دهد. ما باید کار را دتریک کنیم. برای بالابردن تولید من حاضرم حتی روزهای جمعه را هم کار بکنم.

محمدعلی محمدی در باره وضع گرانی و مقدار حقوق و ساعات کارش گفت: "ما روزانه ۷ ساعت کار می کنیم و بعضی وقتها که برق نیست، ساعات کار ما کمتر است. روزانه ۴۲۰ ریال حقوق می گیرم. میدانی که الان زمان جنگ است و سرمایه دارها از این موقعیت سوء استفاده می کنند و کالاها را احتکار می کنند و می زنند. با این وضع گرانی، من باید با این حقوق ۴۲۰ ریال زندگی خود را بچرخانم."

در باره کوپنی شدن بعضی از کالاها مانند قند و شکر گفت: "خیلی خوب شده، مخصوصا برای ما کارگرها. قیمتها پائین آمده و همه جا یکی است. دولت با ید گوشت و برنج و میوه را هم کوپنی کند. اینطوری خیلی خوب میشه."

غفور حسین زاده نوری پیرمردی که لباس سیاه و چشمان گود افتاده اش، حاکی از غم و تدوی بزرگ است که بر قلب بردردش سنگینی می کند، نزدیک می شود و لب به سخن می گشاید:

"من غفور حسین زاده نوری نگهبان مهدکودک سرپل محمد حسن خان بابل هستم. مرا از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ بازنشسته کرده اند. بامن میگویند سن تقویم ۷۰ سال گذشت است. جمع حقوقی که در ماه طبق حکم رسمی با ید بامن بدهند، ۲۶۳۴۴ ریال است. ولی قرار است حق اولاد را از من کسر کنند و در این صورت حقوقم ۱۶۴۶۸ ریال خواهد شد. خالامن اینجا هستم و سعی میکنم به اندازه حداقل پول سیگارم، در آمدی بدست آورم. میخواهند مرا با ۴ فرزند و یک همسر از خانه ای که در آن سکونت دارم و سرایداری مهد کودک را می کنم، بیرون کنند. من با این حقوق نمیتوانم بروم. جاره نشینی. بامن می گویند، تو بازنشسته شده ای و باید بروی و اگر نروی، پاسدار میاوری. من بیگوم بامن خانه ای برای سکونت بدهید تا من هم از اینجا بروم."

غفور حسین زاده نوری در باره جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت: "من یکی از پسرهایم به نام حسن حسین زاده نوری در جبهه جنگ شهید شده. جسدش را هم پیدا نکرده اند. (اشک - هایش را با دستمال پاک میکند و ادامه میدهد) پسر دیگرم، علی حسین زاده نوری، ۲۰، ۱۰ روز میشود که به جبهه جنگ رفته."

او ادامه داد: "باید همگی همت کنیم و صدام خائن را خفه کنیم و ایران پیروز بشه. یک پسر ما در راه امام حسین شهید داده ام، پسر دیگرم راهم به میدان نبرد فرستاده ام. باید بجنگیم و پیروز بشیم و کشور ما آزاد بشه و اجازه ندهیم که دیگر به ما زور بکنند."

غفور حسین زاده نوری در باره کوپنی شدن کالاها یی نظیر قند و شکر چنین گفت: "اینکارا دولت خیلی خوب است. من آنرا خیلی قبول دارم. اگر گوشت و برنج را هم کوپنی بکنند، خیلی خوبست. همه چیز ارزان میشود، تا ما پول زوریه این سرمایه دارها ندهیم."

مبارزات روستائیان برای نابودی ایادی آمریکاست با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی آنان رایاری کنید!

"فتودال نابود است، دهقان پیروز است". مرگ بر زمین دار. مرگ بر آمریکا!

اینها از جمله انبوه شعارهایی بودند که بویژه پس از پیروزی انقلاب، در فضای روستاهای کشورمان طنین افکن شد. روستائیان زحمتکش میهنمان، که به همراه سایر زحمتکشان، زندان آهنین رژیم خائن و وابسته به آمریکای خونخوار را ویران کرده بودند، مصمم شدند که ریشه بزرگ مالکان را نیز بکشند، در سرزمین انقلابی خود صاحب زمینهایی بشوند که سالیان سال آنها را برای این انگلها کشت کرده بودند، ولی خود در فقر و فلاکت بسر می بردند.

دهقانان زحمتکش مبارزات خود را به یاری نهادهای انقلابی، چون جهادسازندگی و سباهاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، گسترش دادند. لیکن زمینداران بزرگ و ایادی آنها و نیز لیبرالها، که از اوج گیری این مبارزات به وحشت افتاده بودند، در برابر حرکت آنان سدها و موانعی را قرار می دادند. آنها در واقع در برابر انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران مانع می تراشیدند و می خواستند آنرا تضعیف کنند.

روستائیان به حق، زمینداران بزرگ را مزدوران آمریکا می دانند. جنبش انقلابی روستائیان، بویژه پس از اعلام طرح انقلابی اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، اوج بیشتری یافت. به کمک نهادهای انقلابی و مسئولان متعهد، روستائیان در برخی از مناطق به بعضی از خواستهای خود رسیدند، لیکن خواست اصلی آنان، یعنی واگذاری اراضی، در برخی نقاط دیگر هنوز برآورده نشده است، زیرا که بزرگ مالکان، به قول ستاد واگذاری زمین، ایجاد مشکلات و تضییقات میکنند. روستائیان بی زمین و کم زمین هم اکنون آمادگی کامل دارند، تا با همت و حمایت نهادهای انقلابی و هیئت های هفت نفری، تکلیف خود را با زمینداران بزرگ یکسره کنند و صاحب زمینهایی گردند که این زمینداران غارتگر آنها را غصب کرده اند.

در برابر اعمال فشار و اقدامات ضد انقلابی بزرگ مالکان، باید نیروی

عظیم انقلابی دهقانان زحمتکش را به حرکت درآورد و بسیج کرد و وارد میدان مقابله با اربابان نمود.

گاهی به مبارزات دهقانان تعدادی از روستاهای تابعه بجنورد، واقع در استان خراسان، نشانی از این آمادگی است:

* روستای غلامان، واقع در بخش غلامان، از توابع شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا ۴۵۰۰ نفر (چهارهزار) ساکن هستند. دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا و نیز دهقانان خرده ما، در تمام طول زمستان گذشته، برای تصویب طرح انقلابی اصلاحات ارضی به دفعات دست به راهپیمایی زدند. خواست اصلی این دهقانان اجرای صحیح و دقیق اصلاحات ارضی به سود آنان بود. در این راهپیماییها دهقانان شعارهایی که حاکی از نفرت آنان از آمریکا و بزرگ مالک بود، از قبیل: "ارباب نابود است، دهقان پیروز است"، "داغده شاه کزرمز (کوه وصحرا را می گردیم)" و "آمریکازرمز (آمریکا را نابود می کنیم)" و "هانی گرگ بیارولسون، آمریکا نابودالسون" می دادند. خواستهای دیگر این دهقانان زحمتکش، تامین امکانات و وسایل کار از قبیل کود و سبذ و تراکتور و نیز امکانات بهداشتی و درمانی است.

* روستای محمد آباد یکی از روستاهای دهستان شوقان، واقع در بخش جاجرم است و ۳۵۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تبهی دست، یعنی زحمتکشترین و محرومترین مردم این روستا، بارها علیه غارتگران و توطئه گران روستا، یعنی بزرگ مالکان دست به اعتراضات دسته جمعی زدند. این روستائیان به دفعات شکایت نامه های دسته جمعی برای مقامات مسئول ارسال داشته اند. این اعتراضات هنوز ادامه دارد. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است.

در تمام راهپیمایی های روستائیان زحمتکش روستای محمد آباد، همواره شعارهای "درود بر خمینی" و "مرگ بر فتودال" و "برای کسی نیست جز حاصل کارش" طنین افکن بود.

* روستای قزلر یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان، واقع در شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا و یکصد تومان پول دادند. بزرگ مالک ده مارا مجبور کرد که یاصد تومان پول بیاپتو رابایشان بدهیم، و چون قدرت داشت، همه اطاعت کردند".

و نیز چنین میگفت: "وی ادعای مالکیت بر تمام اراضی اطراف مهرآباد داشت، در قسمتی از این ۲۸۰ هکتار اراضی زراعت میکرد و بقیه رانه خود زراعت میکرد و نه کسی جرأت داشت حتی از داخل آن عبور کند. اگر گاو یا گوسفندی وارد زمینها و یا زراعت او میشد، گاو و یا گوسفندان را توقیف میکرد و منتظر میماند تا صاحبش برای پس گرفتن باو مراجعه کند و آنگاه او شروع به فحاشی و احتمالا کتک کاری میکرد برای همین بیشتر اوقات مردم از گاو و گوسفند خود میگذشتند و باو مراجعه نمیکردند. عمده مالک، که علاوه بر این اراضی دارای یک باغ وسیع (مرکبات و نخیل) در مهرآباد است، در روستاهای مجاور واز جمله روستای فدای نیز باغ وزمین دارد. دودستگاه موتور و پمپ در باغ مهرآباد عمده مالک کار میکند، در این روستا حدود ۵۰ خانه دارای برق است

روستای مهرآباد در فاصله ۱۵۰ کیلومتری شرق جنوب شرقی داراب، در حاشیه جنوبی دشت آبشور قرار دارد.

روستا دارای یک مدرسه ابتدایی با دو طاق است و اخیرا بوسیله جهاد سازندگی کارلوله کشی به پایان رسیده است.

بوسیله هیئت ۷ نفری ۲۸۰ هکتار زمین به ۶۲ نفر خوش نشین این روستا واگذار شده است. فعلا حدود ۵۰ نفر از این تعداد، آمادگی خود را جهت کشاورزی اعلام داشته اند.

حدود بیست سال پیش این روستا در مجاورت رودخانه آبشور قرار داشته، که در اثر طغیان رودخانه ویران شده است. از آن زمان روستا در محل فعلی، که چند کیلومتری با رودخانه فاصله دارد، احداث شده است. یکی از روستائیان وقتی از ظلم ها و تجاوزات عمده مالک ده تعریف میکرد، از جمله میگفت:

"از زمانیکه خانه های ما کنار رودخانه خراب شد و به محل فعلی کوچ کردیم، به هر خانوار یک تخته پتو

۲۵۰ نفر زندگی می کنند. متأسفانه از آن سال گذشته تا کنون، دوبار میان روستائیان این روستا و اهالی روستای اینچه علیا، بر سر زمین هایی که در محدوده دو روستا است، برخورد ایجاد شده است. زیراتعیین تکلیف به عمل نیامده و اهالی این دو روستا ادعای مالکیت اراضی مذکور را دارند. انگست اربابان و سودجویان در تشدید این اختلاف دیده می شود. لازم است هر چه زودتر و به منظور جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب از این اختلافات تکلیف اراضی مذکور معلوم شود و با توجه به وضع اراضی و اوضاع محل، قانون اصلاحات ارضی به اجرا درآید. این عمل موجب تقویت پشت جبهه خواهد شد و زمینه را برای محیط تفاهم و همکاری برادروار و در نتیجه رشد تولید زراعی، که این همه کشور ما به آن نیاز دارد، فراهم خواهد ساخت.

* روستای اینچه سفلی، در بخش مانه، ۳۵۰۰ نفر جمعیت دارد کلیه روستائیان روستای اینچه سفلی، از آن ۵۸ چندین بار به اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه اقدام کرده اند. این روستائیان خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. این روستائیان حتی یکبار با بنیاد مستضعفان بر سر تحقق خواستشان به توافق رسیدند.

هر قدر زودتر مسئله زمین حل شود، دهقانان زودتر به زمینهای خود به مسئله تولید کشاورزی بپردازند و در جهاد کشاورزی فرموده امام عالیقدر



شرکت کنند. * روستای اینچه علیا، در بخش مانه، ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد. روستائیان بی زمین و کم زمین روستای اینچه علیا مصرانه دست به اقدام جمعی زدند تا به اراضی مزروعی که بوسیله خانواده مغفور به لوی غصب شده بود، رسیدگی شود و پس از رسیدگی به صورت تعاونی به زیر کشت رود این دهقانان هم اکنون نیز در کنار سایر برادران و خواهران روستائی آماده اند تا توطئه جدید بزرگ مالکان را خنثی کنند.

* روستای کلستان، یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد استان خراسان، ۶۰۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تبهی دست روستای کلستان در نظا هرات و اقدامات خود خواستار رسیدگی به وضع اراضی بزرگ مالکان بودند. سال گذشته در ماه های زمستان و به خاطر مقاله با زمینداران بزرگ و واگذاری زمین به دهقانان، این مبارزه اوج گرفت و به نتیجه رسید. آنان به هنگام اعتراض جمعی شعار می دادند: "به گفته خمینی، دهقان زمین دار باید گردد". اکنون هم با تکیه به نیروی لایزال دهقانان زحمتکش است که هیئت های ۷ نفری می توانستند سر تیشات بزرگ مالکان فائق آیند.

* روستائیان کارانتر، واقع در بخش مانه، نیز به دفعات به تظاهرات و اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه اقدام کرده اند. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است. مضمون کلی تمام شعارها به هنگام حق طلبی ها عبارت بود از: "چرا مالک بالای صد هکتار زمین داشته باشد و ما نان خوردن نداشته باشیم".

آنان همچنین خواستهایی چون تامین آب آشامیدنی، تامین امکانات درمانی و بهداشتی و نیز تامین وسایل و امکانات کار دارند، تا پس از پایان جنگ با تمام نیرو به آباد کردن ده و ازدیاد محصول بپردازند. * روستای هاور، روستایی در بخش مانه و سملقان است. در این روستا ۶۰۰ نفر زندگی می کنند. روستائیان تبهی دست روستای هاور به دفعات دست به راهپیمایی ها و اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه زدند. خواست اصلی آنان رسیدگی به وضع

اراضی و اجرای قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است. لازم به تذکر است که اراضی کشاورزی موجود در این روستا، کفاف جمعیت را نمی کند. همچنین اکثر جوانان هاور برای کارگری به تهران و شهرهای مازندران می روند، لیکن سکونت آنان موقتی است و مجدداً به روستا باز میگردند. ضروری است که پس از رسیدگی هیئت هفت نفری به وضع اراضی بایر و موات، مطابق قانون اصلاحات ارضی، دولت با تدارک وسایل و امکانات کار برای روستائیان در مقابل کشت کردن اراضی مذکور به آنان یاری رساند و آنان را نیز تشویق به کار تعاونی در این اراضی کند. همچنین باید در این روستا صنایع جنبی ایجاد شود و از نیروی جوانان روستا استفاده صحیح به عمل آید.

* روستای لنگر سملقان در بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد خراسان قرار دارد. جمعیت این روستا ۳۶۰ نفر است. دهقانان بی زمین و کم زمین روستای لنگر سملقان بکرات دست به اقدامات جمعی زدند. توضیح این که، در این روستا زمینهایی وجود دارد که قبلاً مردم روستا از منابع طبیعی گرفتند و اند و اختلاف بر سر تقسیم این زمینها را باید هیئت ۷ نفری با اجرای قطعی قانون حل و فصل کند. شعارهایی که آنان در اعتراضات خویش می دادند "مستضعف پیروز است، مستکبر نابود است" و "خمینی رهبر ماست، مستکبر دشمن ماست"

بود. روستائیان می گویند که زمینداران باید از زمینهایی که از منابع طبیعی گرفته شده است، چشم پوشی کنند. آنان همچنین خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی در مورد زمینهای واقع در محدوده روستا هستند. این روستائیان از دولت می خواهند که کود و وسایل کشاورزی در اختیار آنان قرار دهد، تا در جهاد کشاورزی فعالیت کنند و سهم خود را در ازدیاد محصول زراعی و دامی و نکست توطئه های خرابکارانه آمریکا و اربابان ادا نمایند.

این دهقانان هم اکنون با شرکت در سگرهای جنگ علیه تجاوز رژیم صدام و در کسزارهای تولید علیه محاصره اقتصادی آمریکا، از انقلاب خود قاطعانه دفاع می کنند.

دوش بدوش شما در مقابل ایمن فتودال ها ایستادگی خواهیم کرد". در شرایطی که بعلت کارشکنی ها، هیئت های ۷ نفری کار خود را در منطقه داراب تعطیل کرده و به شیراز رفته اند، ضرورت وجود آنها کاملاً احساس میشود دهقانان میگفتند: در صورتیکه این معوق ماندن کار هیئت ۷ نفری ادامه پیدا کند، با توجه به توطئه های فتودالها و احتیاجی که از طرف دهقانها وجود آنها برآزمیشود، امکان درگیری در منطقه زیاد است. نماینده اهالی مهرآباد میگفت: وقتی ماورین برای تعیین محل جاه می آیند، حتماً لازم است که لااقل یکی از هیئت ۷ نفری با آنها باشد، چون ممکن است عمده مالک و پسرانش ناراحتی ایجاد کند.

وقت آنست که انقلاب، دیگر قاطعانه وضعی را بوجود آورد که عمده مالک، قانون خودش را اعمال نکند، بلکه قانون جمهوری اسلامی ایران حکمفرما باشد و توطئه دهقانان مستضعف بداندند که انقلاب مال آنها و بسا آنهاست.

فراهم میکنند. از جمله اقدام به حفر چاه غیرمجاز در این اراضی کرده اند. مزاحمتهای آنها بحدی است که اهالی خواستار حضور مجدد هیئت ۷ نفری در منطقه هستند.

نماینده اهالی و خوش نشینها، که از طرف هیئت ۷ نفری تعیین شده است، میگفت:

"همه ما در صورت لزوم حاضر به رفتن به جبهه جنگ هستیم و تاکنون ۲۴ راس گوسفند و مقداری نان و خرما به جنگ زدگان کمک کرده ایم و وقتی برای جمع آوری کمک به بزرگ مالک ثروتمند مراجعه کردیم، ایشان حتی یک سرخرما هم کمک نکرد."

وقتی برای آنها توضیح داده شد که البته در صورت لزوم شما بایستی در جنگ شرکت کنید، ولی در این شرایط، زراعت و تولید هم دست کمی از شرکت در جنگ ندارد شما ضمن اتحاد و همبستگی، باید هر چه زودتر کار کشاورزی را شروع کنید، گفتند: "ما ۵۰ نفر کاملاً با هم متحد هستیم، حتی ۱۲ نفر بقیه از ۲۰ نفر به ما قول داده اند که در صورت لزوم

گذری به روستای مهرآباد آبشور

این ۵۰ نشناخ برق عبارتند از خانه مالک و پسرانش بعلاوه مسجد که برق این خانه بوسیله نصب ژنراتور روی موتور پمپهای آقای کسراتامین میشود. در حال حاضر پس از واگذاری این اراضی به اهالی، عمده مالک و پسرانش بخصوص مزاحمتهای زیادی برای آنها

دهقانان چشم بر اهتد: هیئت های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

لیبرال‌ها و مسئله طبقات اجتماعی

روشنفکران لیبرال، به ویژه نویسندگان روزنامه "میزان" سخت از "مبارزه طبقاتی" و ذکر عبارت "طبقات اجتماعی" بدشان می‌آید و این را اختراع من درآوردی، از پیش خود و دروغین مارکسیست‌ها می‌دانند و چون در تنه‌های قاضی رفتن استادان کل هستند، جزوه‌اش را هم نوشته‌اند و "پوچی" این اندیشه را به ضرب استدلال به دعوی خودشان منطقی و باصلاح اسلامی، گویا مدت‌هاست "ثابت" هم کرده‌اند!

خلاصه این "استدلال" اینست که: در جامعه تضادهای عاطفی (مانند حسد و بخالت و جاه‌طلبی و غیره) از تضاد مادی و "شکمی" که گویا مارکسیست‌ها آن را تحت عنوان "تضاد طبقاتی" بزرگش می‌کنند، زیرا مادی و دنیا دوست و شکم پرست هستند (۱) به مراتب حادث‌تر و مهم‌تر است و این که گویا موافق تاریخ ادیان، اولین تضاد در تاریخ، تضاد هابیل و قابیل بود، که آن‌ها بر اساس حسادت بود و نه بر اساس شکم و یا مال‌داری، که در قبال آن، تضادهای عاطفی شرکتی محسوب می‌شود!

سطح استدلال و سطح ردیه - نویسی بر مارکسیسم تحت عنوان "علمی" در کشور ما، در همین حدودها است، و این الحق قابل تأسف است. این آقایان وقتی از علمی بودن این اصطلاحات سخن می‌گویند، به فریاد می‌آیند که، علمی یعنی چه، این اصطلاحات اسلامی نیست! ما نمی‌دانیم چگونه بکاربردن اصطلاحات علمی در تمودینامیک و وارد کردن آن در مسائل تفسیری و قرآنی مجاز است، ولی بکاربردن اصطلاحات علمی جامعه‌شناسی مجاز نیست!

چرا این "استدلال" به میان کشیده می‌شود؟ برای آنکه اصل مسئله جامعه ما، یعنی مبارزه دهقانان بی‌زمین و کم زمین علیه خان‌ها و بزرگان مالکان، مبارزه مردم زحمتکش و تنگدست علیه سرمایه‌داران وابسته و محتکر، که یک مبارزه اجتماعی و اقتصادی است، لوپت شود. مثلا گفته شود که فلان کس سرمایه‌دار نیست، بلکه مرد فعال و مبتکری است که توانسته است با مساعی خود یک اقتصاد موفق را راه بیاندازد، ولی تنبل‌ها و بیکارها و بی‌ابتکارها به چنین آدمی "حسادت" می‌کنند. لذا آن فرد مبتکر و فعال نیست که مقصر است، حسودها مقصردند که چشم ندارند ببینند و به جای آنکه تنبلی خود را کنار بگذارند و آن‌ها هم بروند میلیونر بشوند و بیخود به میلیونرهای معصوم "حسادت" نکنند، جنجال می‌کنند که ما مورد "استثمار" قرار گرفته‌ایم. استثمار

چيست؟ طبقات متضاد چيست؟ اين اصطلاحات "اسلامی" نيست! اين يك قصه "کهنه‌ايست که تنها اختراع تئوری‌دان‌های "لیبرال" وطنی ما نيست. در سراسر آمریکا و اروپای غربی، یکی از انواع استدلالات عامیانه و عوام‌فريبانه علیه مارکسیسم، همین است. حتی شاه ملعون و زنش فرح و خواهرش اشرف نیز این تئوری "حسادت" را بارها تکرار می‌کردند. مبارزه بحق مردم علیه ستم و غارت خاندان پهلوی به عقیده این حیوانات نتیجه "حسادت و بخالت" بود. "میزان" را بخوانید، همین حرف‌ها تکرار شده است و می‌شود.

موافق این فلسفه "ابهلانه"، ریشه انقلاب‌ها "حسادت تنبل‌ها و احمق‌ها" (که متأسفانه گویا اکثریت دارند) علیه افراد "لايق و مبتکر" است (که متأسفانه اقلیت دارند)!

به این ترتیب کشف علمی مهم کسانی که از قرن نوزدهم، حتی مدت‌ها پیش از مارکس، مسئله وجود طبقات اجتماعی را در ارتباط با اقتصاد اجتماع، با تولید اجتماعی، با مالکیت، به میان کشیده‌اند و نقش این تضاد طبقاتی را در حرکت اجتماعی دیده‌اند، به یک ضرب رد می‌شود! فقط باقی می‌ماند حسادت ابدی قابیل‌ها علیه هابیل‌ها، که البته قابیل‌ها در اینجا توده‌های زحمتکش‌اند و هابیل‌ها گردنه‌گیران مولتی میلیاردر!

ما دچار این پندار کودکانه نیستیم که افرادی را که، درست بر اساس منطق طبقاتی، وجود عینی طبقات را منکر می‌شوند، قانع کنیم. در سابق این اختراع ساواک بود که بجای تضاد طبقاتی می‌گفت: "نفرت طبقاتی". این اختراع امپریالیسم است که وقتی قادر نیست تنوع اجتماعی را منکر شود، آن را به "قشر بندی مشاغل" تقلیل می‌دهد و صدها قشر (ستراتوم) در جامعه فرض می‌کند. تا به نحوی از آنجا "از شر طبقه" خود را خلاص کند و کارگر را هم شغل مثلا آقای دیوید راکفلر معرفی می‌کند! حقه قدیمی است و تازگی ندارد.

ولی مسئله طبقات و تضاد طبقاتی در جامعه ما مطلبی است که هر قدر هم قلم به دستمان بورژوا در سفسطه ماهر باغند، در صحنه زندگی خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان آن را منکر شد. تضاد فاحش فقر و ثروت در جوامع طبقاتی چنان است که نمی‌توان منکر آن شد.

در جهان ما اکنون دو نوع نظام اجتماعی مبتنی بر دو نوع مالکیت وجود دارد: (۱) مالکیت همه اجتماع بر وسایل تولید (ماشین و زمین و وسایل

ارتباط)، (۲) مالکیت قشرهای محدودی به نام کارخانه‌دار، بانکدار، سهام‌داران بزرگ شرکت‌ها، مالکان بزرگ اراضی، صاحبان بزرگ مستقلات و غیره. یکی از این نظام‌ها را جامعه - گرایی (یا سوسیالیسم) می‌نامند. نظام ایران پس از برانداختن استبداد، در مقابل این سؤال قرار گرفته است که: در چارچوب درک راستین از مبانی اسلام، کدام یک از این دوره‌ها را، در چارچوب آموزش و بینش خود، باید مورد توجه قرار دهد و مسئله را چگونه باید حل کند؟

لیبرال‌ها سال‌هاست فریاد می‌زنند که در قرآن آمده است: "ولا تنس نصیبک من الدنيا"، لذا مال - داری و ملک‌داری و بازگشتی و کارخانه - داری و غیره، بمنظر آن‌ها، با تعالیم



اسلام مخالف نیست. مسلمانان انقلابی هم سال‌هاست می‌گویند که در قرآن آمده است: "لیس للانسان الاماسی ریشه هر چیزی متعلق به انسان و سعی و کار اوست و احدی حق ندارد از کار دیگری (کار کارگران و دهقانان) زرب - اندوزی کند. آن‌ها می‌گویند که اسلام از همان آغاز به یاری توده‌های مستمند و یا، به قول امام خمینی، "کوچ نشینان" برخاست و پیغمبران علیه "مترفین" و "ملاء" و "کنجینه سازان زر و سیم، به سود "مستضعفین" و خوار شدگان روی زمین، وارد میدان شده‌اند، و این "وعاظ السلاطین" بودند که سعی کردند برای غارتگری قشرهای ممتاز، جامعه شرعی بدوزند. در انقلاب اسلامی ایران این بحث از همان آغاز دید شد. لیبرال - ها تفسیر دلخواه خود را به سود

سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و مالکیت نامحدود مطرح کردند. مسلمانان انقلابی نیز استنباط خود را علیه مالکیت نامشروع و حرام بسود توده - های زحمتکش در میان نهادند و بیانات امام خمینی در این زمینه کاملاً صریح و روشن است. این مطلب نتیجه "القاء" ایدئولوژی دنیا پرستان "یا تاثیر این و آن نیست. این مطلب ثمره واقعی است که در دهه و شهر، در کارخانه و بازار، وجود دارد و انقلاب ایران نمی‌تواند در باره آن ساکت بماند. این مطلب را نحوه ادامه انقلاب و شکل گیری آن و توسعه آن نمی‌تواند در انقلاب مشروطیت نیز طرح شد، منتها آن ایام لیبرال‌ها توانستند، به یاری امپریالیسم انگلستان، مصلحین بنیادگرا و دمکرات - های انقلابی را نابود کنند (جسمانابود کنند) و بعدها به دست خاندان پهلوی نظام شوم سرمایه‌داری وابسته را در ایران بنشانند.

حالا هم در این انقلاب، عین همان وضع است. لیبرال‌های امروزی می‌خواهند با استفاده از کمک مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و انگلیس، مسلمانان انقلابی را، که خواستار اجراء عدالت و قسط اجتماعی هستند، از میدان بدر سازند و بعد جاده را برای اویسی‌ها و پالیزان‌ها بکشایند، تا به دنبال آن‌ها، همه سرمایه‌داران و ملاکان فراری یا خائنه‌نشین میدان دار شوند و حمام خون تازه‌ای مانند ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران براه اندازند و آن هم بمراتب و بمراتب بزرگ‌تر از ۲۸ مرداد ۳۲، چون انقلاب بمراتب زرف - تر و تعهد آن بمراتب وسیع تر است. لیبرال‌ها جاده کوب فاجعه عظیمی هستند که، وای بر انقلاب، وای بر جامعه، اگر پیروز شوند!

در پیرامون بی‌آزار و بی‌فوسور - مآبانه برخی لیبرال‌های مسلمان (مسلمان به معنای دلخواه آن) یک چنین فاجعه مخوفی وجود دارد. آن‌ها در مسجد و منبر، با توسل به آیات واحادیث، این راد خونین را هموار می‌سازند.

این آقایان به عبت تبلیغ می‌کنند که مسئله مبارزه طبقاتی را مارکسیست‌ها ساخته‌اند، یا توده‌های آن را اختراع کرده‌اند. این یک واقعیت عینی است. وجود تضادهای عاطفی در جامعه دلیل نیست که تضاد - های دیگر، اقتصادی، ملی و قومی، فکری و غیره وجود ندارد. اینکه تضاد اقتصادی (تضاد بر سرمایه‌داری) یکی از اهم این تضادهاست، تاریخ واقعی بشریت از آن حکایت می‌کند و قضیه‌ها

با مثال از هابیل و قابیل نمی‌توان کوچک ساخت. برخی‌ها تصور می‌کنند که چون ملاک‌های مختلفی برای تقسیم در مورد یک "کمپلکس"، یعنی یک انبوهه بفرج (مثلا اجتماع) می‌توان مطرح ساخت، پس لازم نکرده است که یکی از این ملاک‌ها (مثلا تقسیم اقتصادی) دارای وزن علمی بیشتر باشد. این خطای فاحشی است و سوء استفاده از نام مذهب و احساس مذهبی توده‌ها و احترام آن‌ها به کتب واحادیث مذهبی بسود خود و جیب خود هم بزرگ‌ترین تبه‌کاری است.

هر اندازه هم که شما طبقات و تضاد طبقاتی را به این بهانه مضحک که در جامعه تضادهای روحی و عاطفی هم هست (بسیار خوب هست) منکر شوید، کوچک‌ترین تاثیر در سیر عینی امور ندارد. می‌گویند: "جوالدوز رادر کيسه نمی‌توان پنهان کرد"، کاری به این بزرگی، که گروهی معدود سراسر جامعه را، از آمریکای امپریالیستی گرفته تا ایران ما، که حتی پس از انقلاب هم هنوز عرصه غارت سرمایه‌داران بزرگ و ملاکان است، می‌چاپند، مسئله کوچکی نیست که بتوان آن را با سفسطه‌های عامیانه مخفی کرد. شما این کار را تا دلتان می‌خواهد بفرمایید! ولی قوانین عینی جامعه، مانند همه قوانین عینی کار خود را خواهد کرد، چنانکه کرد و می‌کند، و هر سدی را که در مقابل آن بیافرینند، دیر یا زود می‌شکند.

البته با توطئه زور می‌توان عمل هر قانونی را در جامعه برای مدتی به عقب انداخت، ولی خواه طبیعت و خواه جامعه، در مسیر خود مانع غیر - طبیعی و نابهنجار را به عقب می‌زنند و مسیر ضرور خود را طی می‌کنند، سیر ضروری که ناشی از نیازمندی‌های تکاملی خود مردم است و نسخه آن را احدی اختراع نکرده، بلکه از عمل زنده، از واقعیت زنده نشأت می‌گیرد. صحبت بر سر یک "جبر کور" نیست، صحبت بر سر ضروریات سوزان تکامل یک جامعه، یک مردم است که مایلند هم از جهت مادی و هم از جهت معنوی، به سطوح بالاتری ارتقاء یابند.

ولی آقای لیبرال! این مطالب را برای شما نمی‌گویم. این مطالب را برای کسانی می‌گویم که منصف‌اند و آماده‌اند بدون پیشداوری، بین سخنان شما و ما قضاوت کنند، و الا شما تصمیم خود را، بر حسب همان منافع مالدارانی، که از آن آنقدر سالوسانه خود را دور جلوه می‌دهید، گرفته‌اید!

ای آنکه به تقریر و بیان "دم‌زنی از عشق" ما با تو نداریم، سخن خیر و سلامت!

آزادی در خط امام، آزادی در خط لیبرال‌ها

بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها

(کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادگذاشتن جوانان پرشور انقلابی در جامعه برای سلب آزادی از توطئه‌گران و شیطان بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرال‌ها: سلب آزادی و محکوم نمودن جوانان انقلابی به نفع آزادگذاشتن خیانت و توطئه برای توطئه‌گران و شیطان بزرگ

(کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: سلب آزادی از خائنین بمنظور حمایت از حقوق و آزادی مستضعفین

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در توطئه برای مستکبرین و وابستگان آنها بمنظور سلب آزادی از مستضعفین

(کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی مبارزه با وابستگی و سیا از طریق تکیه به اسلام

آزادی در خط لیبرال‌ها: دفاع از نهادهای مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین

آزادی در خط لیبرال‌ها: سرکوب و توهین و اختناق برای نهاد های مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین

(کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: مبارزه با تحریف افکار عمومی و در نتیجه آزادی ساختن اندیشه‌ها از توطئه قلم‌های مسموم و وابسته به شیطان بزرگ

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی برای توطئه و انحراف افکار عمومی و در نتیجه آزادی برای قلم‌های مسموم و مفسد و وابسته به امپریالیسم بمنظور اسارت و وابستگی انسان

(کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی در مبارزه با شیطان بزرگ و عدم هرگونه سازش با اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در سازش و مصالحه و ارتباط با شیطان

نمایشگاه جنگ بو ضد تجاوز آمریکائی رژیم صدام در رشت



دانش‌آموزان هوادار سازمان جوانان توده ایران در رشت، در ۱۵ آذر ۵۹، در جلوی دبیرستان نوربخش رشت، نمایشگاهی درباره جنگ بر ضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام تشکیل داده‌اند، که با استقبال دانش‌آموزان اهالی محل روبرو شد.

بیانیه حزب کمونیست عراق ...

بقیه از صفحه ۳

او بیک ماجراجویی و جنگ غیرعادلانه اقدام می‌کند و ارتش و مردم را با وسائل قهر و جبر بیک جنگ خونین و ویرانگر میکشاند، و مردم ایران، که تخت شاه و رژیم خونبار او را در هم شکستند، ممکن نیست در برابر کسی که تجاوز به حرمت خاک آنها بکند و حاکمیت و سیادت ملی آنها را نقض نماید، دست روی دست بگذاردند.

قبل از جنگ، ما شاهد شدت یافتن بحران عمومی و عمیق داخلی در عراق بودیم - همانطور که حزب مادر بیانیه‌ها و تحلیل‌های خود بزرگوار آنرا تشخیص داد. تعمیق و تشدید تنفر و انزجار مردم از رژیم و تعمیق منفرد شدن آن و بازتاب مستقیم اینها در داخل حزب حاکم، از پائین تا بالا، و بیداری شکافهای متوالی در موسسات کشوری و لشکری آن، از مظاهر و نمودارهای این بحران شدید بشمار می‌رود.

همچنین پیوستن کامل جمیع نیرو-های ملی و توده‌های خلق به اردوی مخالف آغاز توافقی ملی در بین نیرو-های اساسی و موثر در میدان مبارزه میهنی - همانطور که اخیراً منجر به تشکیل «جبهه دمکراتیک میهنی و ملی» شد - از مظاهر و نمودارهای برجسته بحران رژیم است. این توافقها و اشکال دیگر مخالفت، با گسترش مبارزه جهت سرنگونی گروه تروریست دیکتاتوری و اعمال شجاعانه مقابله علیه موسسات رژیم و شیوه‌های تروریستی آن همراه بود.

مبارزات مردم همراه بود یا رشد روزافزون نیروهای مسلح پارتیزانی در کردستان، که صفوف و مواضع و فعالیت‌های نظامی و سیاسی و سازمانی و تدارکاتی خود را در مناطق وسیعی از عراق تحکیم و تقویت می‌کنند نقش موثری در فرسوده کردن رژیم و کمک به متلاشی کردن آن، ایفا می‌نمایند.

جنگی که غرض از آن نجات یا منصرف کردن انتظار از این بحران بود، در تشدید و منفجر کردن آن سهم بزرگی داشته و دارد. تلفات عظیم جانی، آشفتنکی اقتصادی، تشدید بحران در تمام شئون زندگی، هدر رفتن وحشتناک درآمد و ثروت‌های کشور و نتایج فاجعه-آمیز آن، توأم با اوج گرفتن خشم و نفرت خلق علیه رژیم و جنایتها و خیانت‌های آشکار آن به منافع میهنی و ملی، این بحران را بسوی شدت و منفجر شدن بیشتر سوق میدهد. بدون تردید افزایش سنگینی بار فجایع و مصائب ناشی از جنگ، به صورت حادی در نیروهای مسلح و توده‌های زحمتکش، که بیشتر مشتاقا و فجایع را متحمل میشوند، انعکاس خواهد یافت.

باند تروریستی، که ماجراجویانه این جنگ را فروخت و ارتش و خلق را به آتش آن کشید، خودش نیز به تنگناهای افتاده که، ابتدا ممکن نیست به سلامت از آن درآید.

راه نجات میهن و وسیله مفید و قاطع برای خاتمه دادن به جنگ و متوقف ساختن خونریزی و رها کردن خلق ما از فجایع و قربانی-های بیشتر، همانا راه تقویت عمل جدی و هماهنگ است بین احزاب و نیرو-های ملی و شرافتمند، در پیوند تام و تمام با توده‌های مبارز خلق ما و کلیه

عناصر ملی و غیور در ارتش ما، جهت تسریع در سرنگونی باند تروریست دیکتاتوری و خنثی کردن هرگونه مانوری بمنظور ابقای ریشه‌ها و سیاست این نظام و موسسات قلع و قمع آن، و یا تلاش برای جانشین کردن باند تروریست دیکتاتوری با کسی که عین خطمشی خیانت‌آمیز گروه حاکم کنونی را ادامه دهد و بر شیوه‌های قلع و قمع و استبداد تکیه کند، یا متمسک به ایدئولوژی خصومت‌آمیز با دمکراسی و سوسیالیسم و کمونیسم باشد، یا برای انحصار قدرت، یا تبلیغ افکار طائفی عقب‌افتاده دست‌راستی تلاش ورزد.

رژیم خونین دژخیم در کشور ما باید از بین برود. این رژیم امروز از هر وقت دیگری ضعیفتر است و امکان هجوم بر آن و سرنگونیش برای مردم و نیرو-های ملی ما بیشتر. اکنون شرایط بهتری برای همبستگی پیکارجویانه در بین نیروهای مبارز مردم ما و گردانهای جنبش آزادیبخش ملی عرب و جمیع نیروهای مترقی و سوسیالیستی در جهان، که سرشت باند دیکتاتوری در عراق را، در نتیجه جنگ علیه ایران بهتر شناخته‌اند، فراهم است.

اگر امپریالیسم امریکا در جنگ عراق و ایران، مزورانه تظاهر به بی-طرفی میکند، ولی در باطن به گروه حاکم بر عراق کمک می‌کند و پشتیبانی پنهانی را از او، بوسیله همپیمانان خود در وجود حکام مرتجع عرب و از راه تمرکز نیروهای نظامی در خلیج فارس و دریای عرب تأمین می‌کند، اتحاد شوروی موضع مسئولانه اتخاذ کرده و با تمام قدرت سیاسی و نظامی‌اش بر ضد تلاش‌های امریکا جهت مداخله در نزاع و برای عقیم گذاردن فعالیت ناروگان و نیروهای

امریکائی موجود در منطقه ایستاده‌است. اتحاد شوروی در مورد حل مسالمت‌آمیز نزاع موضع اصولی اتخاذ کرده و متوقف ساختن جنگ و منع هرگونه مداخله اجنبی از خارج را خواستار شده است. وضعی که گسریبانگر دیکتاتوری دژخیم شده، شدت می‌یابد، پایان آن نزدیک میشود، امکان پیروزی مردم بیشتر و بهتر میگردد.

یگانه راه حل درست بحران رژیم دیکتاتوری، که در نتیجه جنگ تجاوز-گزاره آن علیه ایران همسایه همیشگی شده است، تشدید مبارزه توده‌های مردم برهبری «جبهه دمکراتیک میهنی و ملی» و تمام نیروهای مبارز خلق ماست برای سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک نظام دمکراتیک ائتلاف ملی، که وظیفه فوری و مستعجل آن عبارتست از: پایان دادن به کشتار خونین و وحشتناک، فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران، کوشش برای حل اختلافات بین دو کشور از راه مسالمت‌آمیز، بصورتیکه منافع دو ملت دوست و مبارزه مشترک آنها را علیه امپریالیسم و برای ترقی اجتماعی تضمین کند.

توده‌های خلق شرافتمند ما! کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی!

صفوف خود را فشرده کنید و با تمام وسائل مبارزه برای سرنگونی رژیم تروریستی را شدت بخشید!

توده‌های سربازان و افسران! تفنگهای خود را به سوی کسانی نشانه روید، که شما را بزور به این کشتارگاه انداخته‌اند!

احزاب و نیروهای میهنی و کلیه گردانهای اپوزیسیون ملی در کشور! کوششهای پیکارجویانه خود را متحد

و هماهنگ سازید و همبستگی و نقش رهبری خود را در پیکار خلق تحکیم بخشید!

جنگجویان دلیر در نیروهای پارتیزانی و پیشمرگ!

عملیات نظامی و سیاسی و تدارکاتی خود را در منطقه، برای فرسوده کردن دشمن و آزاد کردن زمین توسعه دهید! کسانیکه در حزب حاکم و موسسات آن بزور بسیج شده‌اید!

صدای خود را علیه جلاان بلند کنید! باند قاتلان و خائنان وطن را ترک کنید و برای ملحق شدن به جبهه خلق بشتابید!

به پیش فرزندان خلق بزرگ ما، صرفنظر از اختلاف ملیت، عقیده و مذهب، برای سرنگونی رژیم ترور و خیانت میهنی و ملی، برای استقرار نظام دمکراتیک ملی ائتلافی، که جنایت‌های دیکتاتوری را بشوید و زخمهای خلق و میهن را التیام بخشد!

در راه دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان! برای اینکه عراق عزیز ما راه دمکراسی و استقرار امنیت و ترقی، راه همبستگی عربی در مبارزه، راه شرکت فعال در پیکار امت عرب علیه دشمن صهیونیستی و راه عقیم گذاردن نقشه‌های امپریالیسم امریکا و حکام مرتجع دست-نشانده او را در پیش گیرید.

مرگ بر دیکتاتوری فاشیستی! پیروز باد خلق مبارز!

حزب کمونیست عراق
۱۹۸۰/۱۱/۲۴

توضیح: تیترهای وسط بیانیه از نامه «مردم» است.

نامه آقای ...

بقیه از صفحه ۱

دهد که آقای صادق، متأسفانه، نه فقط پاسخ قانونی و منطقی به مقاله نامه «مردم» نداده، نه فقط در تضاد و اقترا آمیز خود نسبت به حزب توده ایران تجدیدنظر نکرده است - مطلبی که نامه «مردم» خواستار آن شده بود - بلکه در کمال تأسف باز هم مطالب خلاف حقیقی درباره حزب توده ایران ابراز داشته و باز هم به حزب توده ایران، بدون کوچکترین دلیل، افترا زده است.

۱) آقای ابوالقاسم صادق، «سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی» است، یعنی آقای صادق میدانند و باید بدانند که طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، درج پاسخهای «مشتعل پرتوهین، افترا و مطالب خلاف واقع» در روزنامه مجاز نیست. ولی آقای ابوالقاسم صادق در نامه خود به نامه «مردم» خواستار درج پاسخی شده است که حاوی مطالب خلاف واقع و افترا درباره حزب توده ایران است.

۲) نامه «مردم»، که به موضع اصولی و انقلابی خود اعتقاد راسخ دارد، حتی از درج چنین پاسخی پاک ندارد.

۳) آقای ابوالقاسم صادق مطالب خلاف واقع و افترا آمیز خود را علیه حزب توده ایران با نام «سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی» عنوان کرده است، و این نه فقط شایسته یک مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه برای حیثیت و اعتبار دولت جمهوری اسلامی ایران فوق‌العاده زاینبخش است.

۴) آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در نماز جمعه ۱۲ دیماه ۵۹، بدروستی گفت: «اسلام به ما یاد داده درباره دشمنان هم دروغ نگوییم، نسبت

به دشمنان هم تهمت و افترا نزنیم، نسبت به دشمنانمان هم فحش ندهیم.»

آقای ابوالقاسم صادق برخورد خود را با حزب توده ایران، با این موضع درست آیت‌الله دکتر بهشتی، چگونه تطبیق میدهد؟

۵) آقای ابوالقاسم صادق، بعنوان یک مقام مسئول، هنگامی که درباره حزب، مانند حزب توده ایران، موضعگیری میکند صرفنظر از هر عقیده‌ای که شخصاً داشته باشد باید سخنش کاملاً اصولی و مسئولانه باشد، زیرا حزب توده ایران از زمره آن گروه‌هایی نیست که هویت نداشته باشد. آقای ابوالقاسم صادق با حزبی روبرو است که تاریخ ۴۰ ساله روشنی دارد: تاریخ ۴۰ ساله اخیر کشور ما گواه صادق این امر است که گروهی از بهترین، شرافتمندترین و مینودوست‌ترین فرزندان این کشور در صفوف حزب توده ایران در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران، بسر ضد امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر سعادت و رفاه زحمتکشان و محرومان زرمیده‌اند. حزب توده ایران در این راه هزاران نفر قربانی داده و هزاران نفر دیگر از اعضای آن در زندانها و شکنجه‌گاهها و تبعید، بهترین سالهای عمر خود را بسر برده‌اند. تاریخ معاصر مبارزات استقلال-طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشور ما با نام توده‌ای‌ها پیوند ناگسستی دارد.

دوساله پس از انقلاب بزرگ ایران نیز شاهد گویا و غیرقابل انکاری بر پشتیبانی بیدریغ و تا پای جان توده‌ای‌ها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است. صداقت و صمیمیت حزب توده ایران نه در حرف، بلکه در عمل به آزمون گذاشته شده و به ثبوت رسیده است. هم‌اکنون

کمک نقدی و جنسی حزب توده ایران - سازمان چالوس و نوشهر به جبهه جنگ ضد امپریالیستی.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان نوشهر - چالوس، طی نامه‌ای به دفتر کمیته امداد امام خمینی، میزان کمک نقدی را، که بعنوان کمک به جبهه جنگ ضد امپریالیستی فرستاده است، اعلام کرد. در قسمتی از این نامه آمده است:

«بمنظور اعلام همبستگی در تعمیق انقلاب و در اجابت فرمان امام خمینی، در مورد تعاون و کمک به جبهه‌های جنگ ضد امپریالیستی، مبلغ پنجاه و دو هزار و پانصد ریال از طرف عده‌ای از اعضای و هواداران حزب توده ایران - سازمان چالوس و نوشهر (با فیش) پیوست تقدیم میگردد.»

توده‌ای‌ها، بابایای دیگر رزمندگان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در صف اول جنگ عادلانه بسر می‌زنند و تا بحال دهها تن از آنان در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شهید شده‌اند.

آری، با چنین خزبی باید - صرفنظر از اختلاف عقیده اصولی و مسئولانه برخورد کرده، که متأسفانه موضعگیری آقای ابوالقاسم صادق فاقد چنین برخوردی است.

۹) در برابر این تاریخ روشن حزب توده ایران، که ۴۰ سال است در برابر مردم ایران گشوده است، مفید است که آقای ابوالقاسم صادق نیز سوابق سیاسی خود را به اطلاع افکار عمومی مردم ایران برسانند. تضاد و آخرین و عادلانه - مانند همیشه - با مردم ایران است.

زوبندهای ایران

کمک نقدی حزب توده ایران - سازمان تنکابن به جبهه جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام

حزب توده ایران - سازمان شهرستان تنکابن، طی نامه‌ای به دفتر کمیته امداد امام، میزان کمک نقدی و جنسی را که به عنوان همبستگی با رزمندگان جبهه جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام فرستاده است، اعلام کرد. در قسمتی از این نامه آمده است:

«به منظور اعلام همبستگی هرچه بیشتر با مردم انقلابی میهن ما، پاسداران جانباز و سلحشور، رزمندگان غیور ارتش جمهوری اسلامی ایران، در این جنگ عادلانه علیه تجاوزگران بعثی و حامیش امپریالیسم آمریکایا، حزب توده ایران - سازمان تنکابن، مبلغ ۳۰۰۰ ریال و مقدار ۹ کارتن لباس، یک گونی سبب‌زمینی، برنج، مقداری قند، لپه، لویا و روغن و مقداری دارو به اتمام چهار تخمه پتو و چهار تخته زیلو ارسال میدارد.»

کهبود امکانات فنی و آزمایشگاهی در هنرستان فنی زاهدان

هنرستان فنی پسران در شهرستان زاهدان، احتیاج به امکانات فنی و آزمایشگاهی در جهت تعلیم هنرجویان در زمینه‌های مختلف دارد، که هنوز به آن رسیدگی نشده است.

هنرستان فنی شهرستان زاهدان، با حدود بیش از ۶۰۰ کارآموز، از دو قسمت عده: برق‌ساختمان و قسمت مکانیک تشکیل شده است. متأسفانه با وجود بودجه نسبتاً زیادی که در

اختیار مسئولین استان برای حل این مشکل قرار گرفته، اما تاکنون تحول بنیادی و چشمگیری در سطح هنرستانهای استان روی نداده است. بیشتر هنرستانها با کمبودها و نارسایی‌هایی در زمینه کادر و امکانات فنی و آزمایشگاهی مواجه‌اند.

ما از مسئولین امر مصرانه می‌طلبیم که امکانات لازم را برای رفع کمبودها در هنرستانهای فنی استان سیستان و بلوچستان هرچه زودتر فراهم کنند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چه کسی مسئول فرار عناصر ضد انقلابی است؟

تجاوز کارانه دارودسته صدام شرکت مستقیم داشتند؛ میدانیم که آنها فرمان امپریالیسم آمریکا در تمام توطئه‌های ضدانقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته و دارند. و لذا سؤال مشخص - همانطور که حجت الاسلام خلیلی بدست می‌مطرح کرده - اینست: چرا افکار عمومی مردم ایران نباید بدانند که عناصر ضدانقلابی چگونه و بدست چه کسانی، نه فقط از مجازات سزاوار خود گریخته‌اند، بلکه برای ادامه فعالیت ضدانقلابی خود امکان بدست آورده‌اند؟

امید است که مقامات مملکت، به این سئوالی که بر سر زبان مردم زحمتکش و انقلابی‌ماست، پاسخ شایسته بدهند.

حجت الاسلام خلیلی، طی سخنرانی خود در شهر سمنان، در اشاره به «وابستگی امپریالیسم و ارتجاع جهانی» که توانستند از ایران بگریزند و خود را از زیر ضربات انقلاب نجات بدهند، و درباره اینکه چه کسانی مسئولیت فرار آنها را به عهده دارند، اظهار داشت:

«آنها به وسیله طرفداران غرب که در دولت موقت بودند، فرار کردند، گذرنامه قلابی درست کردند، مراغای، نریه و پختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

و میدانیم که موضوع به همین جا، به «فرار» عناصر ضدانقلابی خاتمه نیافت؛ میدانیم که عناصر فراری ضدانقلابی به گروه اویسی‌ها، جسم‌ها، پالیزانها و دیگر جلادان و دشمنان خلق و انقلاب ایران پیوستند؛ میدانیم که آنها در تدارک جنگ

رژیم السالوادور در آستانه سقوط است

در السالوادور وضع انقلابی حاکم است. بنا به گزارش‌های رسیده از این کشور، نبردهای شدید در شمال کشور میان رزمندگان میهن‌دوست و نیروهای مزدور ارتش ادامه دارد. میهن‌دوستان یک‌شهر دیگر را در این منطقه تصرف کرده‌اند و سربازان ارتش، که از سوی مستشاران نظامی آمریکا رهبری میشوند، یک‌رشته شکست‌های جدی متحمل شده‌اند. نیروهای دولتی باتوجه به این شکست‌ها، دیوانه‌وار افراد غیرنظامی را مورد حمله قرار میدهند و روستاها و شهرهای کوچک را، بدستور مستشاران آمریکائی، وحشیانه بمباران می‌کنند.

از سوی دیگر، جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتنی اعلام کرد که تدارک یک قیام و اعتصاب عمومی آغاز شده است. سرگرد کارلوس تورس، یکی از فرماندهان جبهه، در مصاحبه‌ای با روزنامه «اوتوماس اوتو» چاپ مکزیکو، گفت:

«جبهه آزادیبخش فارابوندومارتنی در حال حاضر ۴۰ درصد سرزمین السالوادور را کنترل میکند و در نواحی آزاد شده، ارگانهای حکومتی انتخابی تشکیل می‌شود. کارگران، کشاورزان، کسبه زحمتکش، دانش‌آموزان و دانشجویان، گروه‌های مسلح تشکیل داده‌اند و به دفاع در برابر حملات وحشیانه مزدوران رژیم پرداخته‌اند.»

کارلوس تورس گفت:

«مستشاران نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکتیکهایی که در ویتنام بکار گرفته‌شد، استفاده می‌کنند و روستاها را با هلی‌کوپتر و هواپیما زیر آتش می‌گیرند. برای این حملات وحشیانه دهها هزار نفر آواره شده‌اند.»

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت الله منتظری: گله‌مندی شما از کم‌تحرکی و یار کود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود

از طرف جامعه روحانیت خوزستان تلگرامی برای فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری مخابره شد.

در این تلگرام از جمله آمده است: «پیام تسلی بخش حضرت عالی که متضمن همدردی آن حضرت با مردم شهیدپرور اهواز و گله‌مندی از کم‌تحرکی و یا رکود جبهه‌های اسلام بود، از آنجا که بیانگر خواستها و دردهای محرومان این استان و منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود، موجب امتنان جامعه روحانیت گردید و

روزنه امیدی برای ما و پرسنل ارتش و سپاه پاسداران گشود. مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری‌ها در تاریخ کم‌نظیر است، با مراجع مکرر از حالت رکود و عدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش اع

از افسران و درجه‌داران و سربازان و سپاه پاسداران از نزدیک با مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری‌ها در تاریخ کم‌نظیر است، با مراجع مکرر از حالت رکود و عدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش اع



مذاکرات هیئت‌های اقتصادی لهستان و شوروی

یک هیئت اقتصادی لهستان به ریاست میتسلاو باگسلی، معاون نخست‌وزیر لهستان، در مسکو با مقام‌های اقتصادی شوروی درباره مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکراتی انجام داد.

در این مذاکرات بر روی مسائل اقتصادی در سال جدید مسیحی و هماهنگی طرح‌های پنج‌ساله عمرانی ۱۹۸۵-۱۹۸۱ مورد توجه قرار گرفت.

کنگره فوق العاده «میلا» بر نامه پیشرفت آنگولا را بسوی سوسیالیسم تصویب کرد

خوزه ادواردو دوش سانتوش، بار دیگر بعنوان صدر «میلا - حزب کار آنگولا»، انتخاب شد.

در اولین کنگره فوق العاده «میلا - حزب کار» که در لواندا پایتخت آنگولا برگزار شد، وظایف ساختمان اجتماعی و اقتصادی آنگولا مورد بحث قرار گرفت و چشم‌اندازهای آینده تشریح شد. ۴۶۴ نماینده‌ای که از سراسر آنگولا در این کنگره شرکت داشتند، تصویب کردند که در حل و فصل مسائل اقتصادی - اجتماعی توجه اصلی به کارآئی برنامه‌ریزی و بالابردن سطح «کارآئی تولید» و بهره‌وری کار معطوف شود.

کنگره تأیید کرد که بالابردن سطح زندگی زحمتکشان از جمله مهمترین وظایف است و تدابیر مشخص در این زمینه در کنگره اتخاذ شد.

در پایان کار کنگره قطعنامه‌ای تصویب شد که در آن «میلا - حزب کار آنگولا» به نمایندگی از سوی خلق آنگولا، از تمامی کشورهای دوست و در درجه اول اتحاد شوروی و کوبا، بنحاطر کمک و حمایت انترناسیونالیستی آنها، سیاست‌گذاری کرده است.

در قطعنامه نقش قاطع نیروهای مسلح خلق برای آزادی آنگولا (فابلا) در دفاع از دستاوردهای انقلابی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری خلق آنگولا و درهم‌شکستن تجاوزات مداوم رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مورد تأیید قرار گرفته است. نمایندگان کنگره بار دیگر به اتفاق آراء خوزه ادواردو دوش سانتوش را بار دیگر بعنوان صدحزب انتخاب کردند.

خوزه ادواردو دوش سانتوش در سخنرانی خود در پایان کنگره به اهمیت تاریخی کنگره در حل و فصل وظایف بازسازی ملی و ساختمانی سوسیالیسم در آنگولا اشاره کرد و گفت: «برگزاری کنگره یک پیروزی دیگر حزب و زحمتکشان آنگولا بر نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی است. میلا - حزب کار، اصول مارکسیسم - لنینیسم را با توجه به واقعیت‌های موجود آنگولا در تمام فعالیت‌های خود که هدف از آن ساختمان سوسیالیسم در جمهوری خلق آنگولا است، راهنمای خود قرارداده و برای تحکیم دوستی و همکاری با همه دوستان واقعی و طبیعی خود یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی تلاش خواهند کرد.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کاخ بی‌ولایتین کدیم
خانم غربلا کدیم آباو

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما نیازمندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه تپه‌په‌په قره‌نی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ع. ط. ۳۱۰۰۰۰ ریال
م. ش. ف. از چالوس ۱۰۰۰۰۰ ریال

چین به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نفت می‌فروشد

روزنامه «استار» چاپ اوگاندا، اعلام کرد که چین و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی آماده میشوند که یک قرارداد درازمدت در مورد تحویل نفت به آفریقای جنوبی امضاء کنند. این روزنامه ضمن اشاره به این مسئله که جامعه جهانی خواستار مجازات اقتصادی رژیم آفریقای جنوبی شده است، نوشت که رهبران چین ریاکارانه از مبارزه علیه تبعیض نژادی سخن می‌گویند، اما باتوجه به همکاری‌های چین با نژادپرستان، این سخنان رهبران چین، بیش از پیش مشمتزکننده بنظر میرسد.

مردم «بلیز» خواهان استقلال کشور خود هستند

در اوایل پاییز امسال مذاکرات جدیدی، که میان بریتانیا و گواتمالا درباره استقلال بلیز در نیویورک صورت گرفت، بویژه برائت موضوع انعطاف‌ناپذیر رژیم نظامی - دیکتاتوری گواتمالا، با شکست پایان یافت.

بلیز کشوری است در کارائیب، با مساحت ۲۲۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۵۰ هزار نفر. این کشور، که هنوز مستعمره بریتانیاست، از خودگردانی داخلی برخوردار است. لیکن گواتمالا، که خود را وارث حقوقی اسپانیا میدانند، نسبت به این کشور دعوی ارضی دارد. دولت دیکتاتور لوگاس تهدید کرده است، که چنانچه لندن بدون اجازه گواتمالا استقلال بلیز را بپذیرد، گواتمالا به مداخله نظامی دست خواهد زد.

بلیز، که تا سال ۱۳۵۲ هندوراس بریتانیا نامیده میشد، صدو بیست و یکسال است که به موجب قراردادی میان گواتمالا و بریتانیا در مرز

های کنونی وجود دارد. اما گواتمالا باین بهانه که بریتانیا، بخلاف قرارداد ۱۲۳۶، به ساختن جاده‌ای بین بلیز سیتی و گواتمالا مبادرت نورزیده است، این قرارداد را باطل اعلام کرده است.

اکثریت مطلق مردم بلیز و «حزب خلق متحد» بر رهبری جورج پرایس، که سی سال است زمام امور این کشور را به عهده دارد، خواهان استقلال بلیز هستند. چند هفته پیش سازمان ملل متحد نیز با ۱۳۰ رای مثبت خواستار «حفظ تمامیت ارضی بلیز شد».

منابع نفتی مهمی، که در استان تولدو در بلیز موجود است، یکی از عوامل ادامه مشاجرات درباره بلیز است.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 411
4 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

پرسش و پاسخ شماره ۱۹ منتشر شد